



ترانه ها و شعرهای رضا صادقی

نام آلبوم : رویای شیرین

چه می خواهی

مرا از این که میبینی پریشان تر چه می خواهی
از این آتش به جز یک مشت خاکستر چه می خواهی
من از اوج نگاه تو به زیر پایت افتادم
بیا این اوج و این پروازو این باور چه می خواهی
مرا از این که میبینی پریشان تر چه می خواهی
از این آتش به جز یک مشت خاکستر چه می خواهی
من از اوج نگاه تو به زیر پایت افتادم
بیا این اوج و این پروازو این باور چه می خواهی
مرا بیخود به باران می بری با مستیه چشمت
بیا این چشم ها این گونه های تر چه می خواهی
برای ادعای عشق اگر این سینه کافی نیست
بیا این تیغ و این شمشیرو این هم سر چه می خواهی
من ان فرهاد مسکینم که کوه بهر تو کندم
بگو شیرین ترین رو یا بگو دیگر چه می خواهی
تمام این غزل با خون رگهایم نثارت باد
بگو دیگر عزیز من بگو دیگر چه می خواهی...

شب یلدا

تو به شیرینی یک شب یلدا ... تو به وسعت آبی همه دریا
تو طراوت یاس و گل شب بو ... تویی مرحم زخم همه دنیا
تو طلوع سحر ... تویی صبح دگر ... به افق های حیاتم
تو چو تاج سری ... تو من دگری ... من چو خاکی زیر پاتم
من اگر زنده ام ... از بهر توام ... من اگر عاشقم ... از عشق توام
من اگر بیدارم و میخوانم ... به تو دلخوشم ای مهتاب شبم به تو دلخوشم ای همه تاب و تبم
به غریبی من یاد شده تسکینم ... فقط از دوریت ای آینه غمگینم
همه لحظه ی من از یاد تو پرگشته
به افق های دلم نام تو خور گشته

نور راه

غیر جونم چی رو دارم
که به پیشکشت بیارم
فاصله بین ما مرگ
طاقت دوریتو ندارم

اگه باشم اگه باشم
اگه هیچ نداشته باشم
اگه کوهم اگه برگم
تشنه آب نگاهشم

هر جا بودم تو بودی
قبله گاه هر سجودی
ساده و پر عشق و عاشق
تلخی رو شیرینی بودی
واسه من خاطره تو
که به شیرینی آب
زندگی تازه می ده ، نه بیشتر از اسم یه عمر
تو برام چراغ راهی توی اوج بی پناهی
اولینی و آخرینی تو شبام نور یه راهی

غیر جونم چی رو دارم
که به پیشکشت بیارم

کاشکی بودی

کاشکی بودی و میدیدی
ذره ذره جون سپردم
دوریت برام یه سمه سمه
قطره قطره هی میمردم
کاشکی بودی نمیداشتی که منو از من بگیرن
کاشکی بودی نمیداشتی گلای باغچه بمیرن
آرزومه که یه روزی
توی کلبه مون منو تو
پای دل همدیگه پیر شیم
فقط فقط من و تو
آرزومه هر دو باهم
سقف کلبه مونو بسازیم
زیر سقف آرزوها به همه مردم بنازیم
کاش میشد منو بفهمی
درد پنهنوم بدونی
حرف عمری خستگیو
از توی چشمام بخونی

دیوونه

آره این منم یه دیوونه
دیوونه ای آواره ام
مجنون و زنجیری منم
اما هنوز پروانه ام

اونا می گن عقلم کم
سنگ می زنن منو همه
قلیم مثل یه آسمون
جا داره واسه همه

آره منم اون دیوونه
اون که نداره یه خونه
مال و منالی ندارم
اما لبام که خندونه
آره منم اون دیوونه

بچه ها سنگم میزن
بزرگها خندم می کنن
می گن که اومد دیوونه
تا همه رو بخندونه

هلم می دن به زور تو آب
می دن منو صد تا عذاب
پا رو سینم می زارن
میگن تو این آب ها بخواب
توی دلم می گم خدا
ببخششون از این کارها
بذار بخندن خوش باشن
قربون لطف ای خدا
آره منم اون دیوونه

دنبال یار

دنبال یه یار گشتم
پی یه تک سوار گشتم
دنبال یه نور فانوس
تو شب تاره گشتم

دنبال یه کس نگشتم
خالی از هوس نگشتم
رفتم تو هوای بیخود
دنبال نفس نگشتم

مستم به شراب ساقی
تنها دلم ازم باقی
دل طفلکی چشم براهه
کس نداره ازش سراغی

دنبال یه یار جانم
آنکه با دل زیانم
وا کنه از عشقی و
از عشقش کاش بخوانم

که بهتر از این یار
معبودی وفادار
شیرین تر از قنده
از کوتیه سرشار
هم شور و سوز
هم آیه نور
هم جاه و جلال
هم عشقی حلال

پدر

بمونه سایه ات به سرم ای پدر
نباشه شاخه ای به برم ای پدر
مادر خویم قربون خندهات
فدای لالایی ناز شبات
پدر عزیزی بهتر از برگ ناز
قربون ذکرت همه راز و نیاز
مادرم ای پاره جون تاج سر
الهی باشی تا نشم دریدر

قربون برم ای پدر نگاهت که عظیم
قربون برم اون دستای نازت که کریمه
ای پناه من ، مادر من ، مرحم زخمم
جز تو کی آخه پاک می کنه اشک تو چشمام

بمونید هر دو تا تون رو سر ما
نذارین ما رو هیچ وقت تک و تنها
خدایا عمر من کم کن به اونا
بدونید قدرشون آهای جوونا

تار میزنم

تار میزنم جار می زنم
دشمن عشقو دار می زنم
وقتی دلم از غم می گیره
زخمه به این گیتار می زنم

کلبه و عشقم دور از همه
دوستش دارم په عالمه
شیرین ترین زندگی دارم
هر چی بگم ازش کمه
بیشه زن بیستون منم
عاشق آوازه خون منم
نشون هر بی نشون تویی
قلندر بی نشون منم

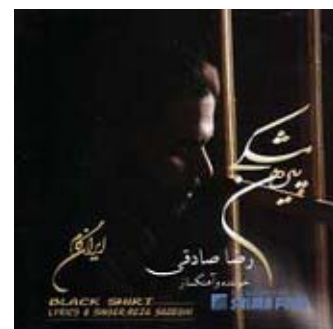
حیات کلیمون چمن
کلبه و خوشبختی و اون ومن
بهم می گه اون مهربون
برام بخون گیتار بز
وقت دعا سر نماز
می گم که ای محرم راز
یاری کنید کوهو بکنم
نگه کن اون بوته ناز

رویای شیرین

رویای شیرینم امید دیرینم
من اوج خوشبختی خود را در تو می بینم
ای تو درون من ای روحبخش تن
ای عشق و احساس و محبت با تو ای مرحم
گردوستان و آشنایان چشم من باشند
تو در من چون نفس هستی
بی چشم حتی میشود این زندگانی را گذر کرد بی نفس هرگز
هرچی که دارم مال و منالمت آشتی و جنگم
قدرت سنگم این دل تنگم این دنگ و فنگم مال شما
عمری که دارم نور شب تارم
دل بیقرارم چسبم انتظارم همه کاروبارم آروم و قرارم مال شماست
بزارید بخونم عاشق بمونم عشقم مال خودم باشه
صدام واسه شما خدام واسه خودم مهرش توی دلم باشه
نقش خیالش اوج جمالش همیشه در نظرم باشه
نزارین بسوزم چشم به در بدوزم توی جوونی کمرم تاشه.

نام آلبوم : پیرهن مشکی

از من میپرسن چرا مشکی میپوشی منم باید جوابی میدادم که ثابت کنم مشکی برای من یک اعتقاده نه یک شعار



پیرهن مشکی

پیرهن مشکی من از غم نیست
حرف های نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی عاشق نباشه
پیرهن مشکی من از غم نیست
حرف های نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی عاشق نباشه آدم نیست
پیرهن مشکی من رنگ شبای عشقمه
نه ستیزه نه گریزه نه سقوط و ماتمه
پیرهن مشکی من صداخته از نوع عشق
تنها رنگ پرچم مقدسه دولت عشق
پیرهن مشکی من رنگ شبای عشقمه
نه ستیزه نه گریزه نه سقوط و ماتمه
پیرهن مشکی من صداخته از نوع عشق
تنها رنگ پرچم مقدسه دولت عشق
تنها رنگیه تو دنیا که تکه تا نداره
شمامون بدون رنگ مشکی معنا نداره
مشکی رنگ عشقه اینو قبلانم گفته بودم
می دو نم خوب می دونید که مشکی همتا نداره
پیرهن مشکی من از غم نیست
حرف های نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی عاشق نباشه
پیرهن مشکی من از غم نیست
حرف های نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی عاشق نباشه آدم نیست
مشکی رنگه عشقه مثله رنگه چشای مهربونت
مشکی رنگه عشقه مثل شبای قلب آسمونت
مشکی رنگه عشقه مثله رنگه چشای مهربونت
مشکی رنگ عشقه
پیرهن مشکی من رنگ شبای عشقمه
نه ستیزه نه گریزه نه سقوط و ماتمه
پیرهن مشکی من صداخته از نوع عشق
تنها رنگ پرچم مقدسه دولت عشق
پیرهن مشکی من رنگ شبای عشقمه
نه ستیزه نه گریزه نه سقوط و ماتمه
پیرهن مشکی من صداخته از نوع عشق
تنها رنگ پرچم مقدسه دولت عشق
تنها رنگیه تو دنیا که تکه تا نداره
شمامون بدون رنگ مشکی معنا نداره
مشکی رنگ عشقه اینو قبلانم گفته بودم
می دو نم خوب می دونید که مشکی همتا نداره
پیرهن مشکی من از غم نیست
حرف های نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی عاشق نباشه
پیرهن مشکی من از غم نیست
حرف های نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی عاشق نباشه آدم نیست

حرف آخر

چیزی نگو قسم نخور تموم حرفات یه دروغه
کسی نگفت خودم دیدم خونه قلب تو شلوغه
چیزی نگو لیاقت عشق مقدسم نبود
حس می کنم نبودى و بودنتم یه قصه بود
تو دیگه مردی و این حرف آخره
بذار عشق تو از خاطرم بره
فکر می کردم قلبت مال منه
اما انگار صد شاخه می پره
اسمتو پاک کردم از تو دقترام
بی خودی قسم نخور دیگه سخته برام
ترو پاور داشتمو میخواستمت
چرا آتیش کشیدی همه باورام
کسی نگفت بهم من خودم می دیدم
اما راستشو بخوای یچیزی نفهمیدم
چرا وقتی ترو از عشق خالی دیدم
بجای گریه بحالت میخندیدم
شاید واسه اینه که دیگه بی ارزشی
واسه ی همه عروسک نمایشی
توکه میگذری ساده از این همه عشق
لیاقت نداری دیگه با من باشی

چرا از من گذشتی

چرا از من گذشتی خیلی ساده

تو که دونستی این مرد پیاده جونی شو پائنه عشق تو داده هه.....هه.....هه....
شنندم گفتمی از عاشقی سیر ام نگفتمی با خودت من یه وقت میمیرم

حالا حق دل و از کی بگیرم هه.....هه.....هه....
چرا از من گذشتی بی تفاوت

نه انگار عشقی بود نه روزگاری نه پائیز و زمستون نه بهاری چه جور دلت اومد تنهام بزاری

تو که رفتی چرا پیغوم می دادی فلانی رو بگین یه روز سردی کنارنیمکت باغچه همونجا یه روزی عاشقونه بر میگردی میدونم یه روزی
عاشقونه بر میگردی

خونه

خانمان خشت گلی سقف چوب و چندلی گاوزیمان دلی دلی دلمان که گلگلی
خدایا تا کجا چشمام به راهه وای خدا دید شب و روزم سیاهه
خودت کردی به جانم آتشی که عزیزم تمام خندهام تو خواب چیدم
خانمان آباد عشقه تکه ای از سرنوشته مثل یک جاده عمره توی قلبمان نوشته خانه خانه خانه
چیکه چیکه وقت باران روی سکو توی دالان میون حیاط سینه شاخ و برگان کناران خانه خانه خانه
خانمان خشت گلی سقف چوب و چندلی گاوزیمان دلی دلی دلمان که گلگلی
همه جاش بوی خدامان بی صدا و همصدامان روی خاکان قدیمی مثل چشمی نه نگامان
با یه حوضی پر ماهی با یه باغچه پر سبزی با یه دنیا خاطراتش با یک خنده توی گاوری خانه خانه خانه
خانمان خشت گلی سقف چوب و چندلی گاوزیمان دلی دلی دلمان که گلگلی

بغز ترانه

دلم برات تنگ شده جونم
می خوام ببینمت نمی تونم
بین ما دیوارای سنگی
فاصله یک عمره می دونم

بغض ترانه رو شکستم
می خوام بگم عاشقت هستم
تو عین ناباوری یک شب
خالی گذاشتی هر دو دستم
تو بودی تمام هستی و مستی و راستی و تمام قصه من
تو بودی سنگ صبورم و نگاه دورم و لبهای بسته من
تو بودی تمام هستی و مستی و راستی و تمام قصه من
تو بودی سنگ صبورم و نگاه دورم و لبهای بسته من
نیمه شب، نیمه شب از خوابم پا می شو
نیستی پیشم، نیستی پیشم باز دیوونه می شم
دوری تو دوری تو تیشه زد به ریشم، نیستی پیشم
بی صدا، بی صدا از من خالی می شم
همصدا، همصدا با بیداری می شم
گونه هام، گونه هام خیس از شبنم غم، نیستی پیشم
تو بودی تمام هستی و مستی و راستی و تمام قصه من
تو بودی سنگ صبورم و نگاه دورم و لبهای بسته من
تو بودی تمام هستی و مستی و راستی و تمام قصه من
تو بودی سنگ صبورم و نگاه دورم و لبهای بسته من
تو بودی تمام هستی و مستی و راستی و تمام قصه من
تو بودی سنگ صبورم و نگاه دورم و لبهای بسته من
تو بودی تمام هستی و مستی و راستی و تمام قصه من
تو بودی سنگ صبورم و نگاه دورم و لبهای بسته من.

هنوز عاشقم

روزا گذشت سالها گذشت من هنوز عاشقتم به یادتم
نمیدونم خبر داری منتظرم یا مردم و فقط تو خاطراتم
روزا گذشت سالها گذشت من هنوز عاشقتم به یادتم
نمیدونم خبر داری منتظرم یا مردم و فقط تو خاطراتم
روز و شبم به این خیال طی شد که زخمای خوب میشن
شوق من اون و میاره صبح غمام غروب میشن
یه عمر طولانی و من به این سوال میگذرونم
چی شود گذشتی از من و رفتی چرا نمیدونم؟؟؟؟؟؟
زخمای که سربازه هنوز عمری نمونه تا سحر
خسته و پیر و خم شدم از تو نیومد یه خبرچشمایم به در خشکیده و رفت نا ندارم بیشتر از این
با رفتنت فنا شدم بیا خودت این و بین

بخشش

بابا بیخیال دیگه ناز کردنم حدی داره
ما که رفتیم بعد ما میدونی کی دوست داره
روتو کم کن دیگه تحفه هم که نیستی بخدا
تمومش کن افه هاتو بس کن این همه ادا
مگه ما چی کم گذاشتیم از مرام و معرفت
که تو اینجور با ما بد تا میکنی بی معرفت
راستشو بخوای دیگه خسته شدم رک بگمت
به دلم نشست بودی خشکیدی بریدمت
بخدا عشقی که دلت بیاره کشکه عزیز
چون هر چی مرده انقد دیگه آبرو نریز
گفته بودم نفسی برام میرم تا آخرش
نفسی که حرمت رو بگیره من می برم
دیگه اون دنیای پر رنگ و چلچراغت نمیخوام
واسه رو کم کنیتم که شده سراغت نمیام
قاپی کردم بد رقم میخوام که قیدت بزنم
میخوام این دندون عاریه رو از ته بکنم
عشقی که ما پیشیم بی شیشه پيله صادق
همه مردم می دونن که مشکى اند عاشقه

نمیتونم ببخشم دور شو برو نبینمت
تیکه ای بودی از دلم گندیدی و بریدمت
هزارویک رنگی بدون
دروغ و نیرنگی بدون
واسه دله عاشقه من بد نامی و ننگی بدون
"راهمو سد کردی عزیز
عشقمو رد کردی عزیز
خودت ندونستی چی کردی باما بد کردی عزیز"

یادت میاد گفتم بهت اگه نمیشی مرحمم
تروخدا زخمم نشو که تیکه پارسست بدنم
تو عین ناباوریا تو هم شدی یه زخم نو
هیچ نمیخوام مثله تو شم از جلوی چشم برو

آشنا

تو با منی هر جا برم مهر تو بند جونمه عشقت نمیره از سرم تو پوست استخونمه
یه دم که نبینمت یه دنیا دلتنگت می شم نگاه دریایی تو ، آبی رو آتیشم
واست دلم
واست تنم
واست تمام زندگیم
از تو دوباره من شدم با تو تموم شد خستگیم
نم نم بارون چشم گواه عشق پاکمه
هم نفس قسمت من دوست دارم یه عالمه قشنگترین خاطرهام باتو و از تو گفتن
ارامش وجود من صدای تو شنفته

نم نم بارون چشم گواه عشق پاکمه
هم نفس قسمت من دوست دارم یه عالمه قشنگترین خاطرهام باتواز تو گفتن
ارامش وجود من صدا تو شنفته

تو با منی هر جا برم مهر تو بند جونمه عشقت نمیره از سرم تو پوست استخونمه
یه دم که نبینمت یه دنیا دلتنگت می شم نگاه دریایی تو ، آبی رو آتیشم
واست دلم
واست تنم
واست تمام زندگیم
از تو دوباره من شدم با تو تمام شد خستگیم

بابای بارون

بده دستاتو تو دستام
تا با هم کلیه بسازیم
کلیه ای پر از من و تو
از من و تو ما بسازیم
دور بشیم از همه مردم
واسه درد هم بمیریم
با ستاره ها بخوابیم
با ترانه جون بگیریم
کلیه ای از سازه عشق
باغچه ای و حوض و گلدون
سر تو باشه رو شونم
مثل لیلا، مثل مجنون
تو بشی مادر گلها
من بشم بابای بارون
من واسه تو واسه من
کلیه ای می خوام که تو باغچش پر باشه از یاسمن
حیاطشتم، سرتاسرش باشه چمن
فقط واسه تو واسه من
تو کلبمون خدا باشه

خوشبختي مون قد تموم آسمون
صاف و بي انتها باشه
كلبه اي از سازه عشق
باغچه اي و حوض و گلدون
سر تو باشه رو شونم
مثل ليلا، مثل مجنون
تو بشي مادر گلها
من بشم باباي بارون
بده دستاتو تو دستام
تا با هم كلبه بسازيم
كلبه اي پر از من و تو
از من و تو ما بسازيم
دور بشيم از همه مردم
واسه درد هم بميريم
با ستاره ها بخوابيم
با ترانه جون بگيريم
كلبه اي از سازه عشق
باغچه اي و حوض و گلدون
سر تو باشه رو شونم
مثل ليلا، مثل مجنون
تو بشي مادر گلها
من بشم باباي بارون

سهم ما

نمي دونم كه تو رو نفرين كنم يا اين دلم
نمي دونم كه تو حل مشكلي يا مشكلم
با تو عاشقانه بودم پس چرا
حسرت يه روز عشق موند به دلم

با تو شاهنامه بودم نه يك غزل
با تو رودخونه بودم نه يك قنات
يه روزي من و تو بوديم و حالا
من و تنهايي و يك عمر خاطرات

تو رفتي و سهم ما سفر شد
دل آروم ما دريدر شد
ندونستم چرا مرغ عشقم
توي عاشقي بي بال و پر شد

توي اين غربت پر هول و هراس
دارم عين ماهيها جون مي كنم
خسته ام از تظاهر به سادگي
جاي دندون هزار گرگ به تنم

نه كسي مي دونه كه من چي مي خوام
نه خودم دونستم عيب كار كجاست
تا به هر كي مي گي عاشقي چيه
مي گه بگذر، عاشقي تو قصه هاست

تو رفتي و سهم ما سفر شد
دل آروم ما دريدر شد
ندونستم چرا مرغ عشقم
توي عاشقي بي بال و پر شد

تمنا

گفتم نرو پريز مي شم
گفتي ميخوام رها باشم
گفتم آخه عاشق شدم
گفتي ميخوام تنها باشم

گفتم دلم گفتم بسوز
گفتم به عمری باز هنوز
گفتم پس عمرم چي ميشه
گفتم هدر شد شب و روز

وای دلم

گفتم آخه داغون ميشم
گفتم به من خوش ميگذره
گفتم بيا چشمام به تو
گفتم آخه كي ميخره
گفتم منو جنس ميديدي
گفتم آره بي قيمتي
گفتم به روز كسي بودم
با من نكن بي حرمتي

گفتم صدام ميميره باز
گفتم به درد بسوز، بساز
گفتم حالا كه پير شدم
گفتم كه از تو سير شدم
گفتم تمنا ميكنم
گفتم ميخوام خوردت كنم
گفتم بيا بشكن تنو
گفتم فراموش كن منو
گفتم تمنا ميكنم
گفتم ميخوام خوردت كنم
گفتم بيا بشكن تنو
گفتم فراموش كن منو

نام آلبوم : 10ثانيه

10ثانيه

10 ثانيه تا انتها، پايونی بی سر و صدا
بی خبر از هر شب و روز، من و به شمع نیمه سوز،
یکی گذشت از ثانيه 9 تاى ديگه باقيه،
ای کاش تو لحظه ای كه رفت ميديدمش به بار ديگه،
اون دور بود و تو حسرت ثانيه ها كه می گذشت،
ای کاش تو اين 1 ثانيه بی بودنش نميگذشت،
ساعت ميگه 2 ثانيه، 8 تاى ديگه باقى
به عمر نشستم منتظر کی ميگه اين بازيه،
فقير بودن جرم منه، عاشق بودن تنها گناه،
به عمری چشم به در بودم اين آخرا هم چشم به راه،
ساعت بازم بهم ميگه 3 ثانيه رفته ديگه
خبر داری چه زود گذشت ، مونده فقط 7 ثانيه،
هی با خودم گفتم مياد اميدت و ندی به باد
داد ميزدم پس کی مياد كسى جوايم و نداد،
من موندم و 2 ثانيه ، ازم فقط اين باقيه
ثانيه پشت سر هم رفتن تا 6 و 7 و 8
لحظه تو گوشام داد ميزد 8 ثانيه ازت گذشت
من موندم و 2 ثانيه ازم فقط اين باقيه
هنوز نشستم منتظر چشم اميدم ساقي،
آی ای خنک باد سحر واسش ببر تو اين خبر
بگو كه من تا آخرين خيره بودن چشمام به در،
ثانيه 9 هم كه رفت مونده فقط 1 ثانيه
سرت سلامت نازنين از من به لحظه باقيه،
قسمت نشد بينمت شايد كه لايق نبودم

منتظرت موندم په وقت نگی که عاشق نیودم،
ثانیه 10 گل یاس راحت شدم دیگه خلاص،
آزاد شدم پیام پیشته بی واهمه چه بی هراس،
قشنگترین ثانیه هام این 10 تا بود که زود گذشت،
روای شیرین بود و ناب چون با خیال تو گذشت.

اسم تو عشقه

ای قشنگترین شعر و غزل اسم تو عشق،
ای دردونه دور از دغل مهر تو عشق،
تو سقوط محض اومدی گفتی میمونی،
گفتی عاشقی شمع دلم عشق تو عشقه،
یاورم شدی وقتی تو تنهایی میسوختم
وقتی اومدی که چشم به جاده ها میدوختم،
مهمون تموم خلوتام شدی از اون روز،
ای حرمت هر نیاز من ناز تو عشقه،
ای حادثه شیرین عمرم با تو زنده،
عمری واسه پیدا کردنت آواز میخوندم،
تو هر نت آهنگ دلم تو رو میدیدم
تو هر نفسم یاد تو ام یادت و عشقه ،
این مهم که دیدمت و حرفت شنیدم
فهمیدم که بیخودی نبود پیت دویدم،
دوری اگه نزدیک اما با منی همیشه،
قوریون وجودت اون رخ ماه تو عشقه

هوار

ای هوار هوار هوار برس به دادم مهربان یار
تو درم بیار ای یاورم از زیر آوار
ای هوار هوار هوار برس به دادم مهربان یار
تو درم بیار ای یاورم از زیر آوار
ای یار بگیر دستم
ای نخورده مستم
ای یار بگیر دستم
ای نخورده مستم
معبود عزیز عالمی یار بگیر دستم
معبود عزیز عالمی یار بگیر دستم
روشنگر راهم
نقطه نگاهم
تویی آسمان و ستاره و خورشید و ماهم
دایم نه صداتو ای بل نجاتم
مثل کفتر سرگردانی ول توی هواتم
روشنگر راهم
نقطه نگاهم
تویی آسمان و ستاره و خورشید و ماهم
دایم نه صداتو ای بل نجاتم
مثل کفتر سرگردانی ول توی هواتم

کلبه

پاک و بی آلايشه اون لایق ستایشه
دوستش دارم دوستم داره جون و دلم فداش بشه
پاکه و بی آلايشه اون لایق ستایشه
دوستش دارم دوستم داره جون و دلم فداش بشه
اون واسه من مقدسه عشقش جدا از هوسه

تو بي کسي ديدم که اون تنها کسه يه بي کسه
سنگ صبور اشکمه زخمامو اون يه مرهمه
از خويپهاش هرچي بگم قسم به دل بازم کمه
قسم به دل بازم کمه

رونق و نور کلبه مه تنها خودش عزيزمه
دوريش برام هلا هله اين حرفو ميدونن همه
رونق و نور کلبه مه تنها خوشيه عالمه
دوريش برام هلا هله اين حرفو ميدونن همه
اين حرفو ميدونن همه

يه شب بهم گفت مهربون من مي مونم تو هم بمون
گفتم بهم اي باوفا يادت نره اين عهدمون
از بين صدها کس و کس اون بود برام يه همنفس
حق داشت ميون اون کسها عاشق بوده دور از هوس
عاشق بود و دور از هوس

حرفهاش برام حکم حيات شيرين تر از نقل و نبات
گفتم بهش ناجيم شدي واسه اينکه ميميرم برات
حرفهاش برام حکم حيات شيرين تر از نقل و نبات
گفتم بهش ناجيم شدي واسه اينکه ميميرم برات
واسه اينکه ميميرم برات

پاک و بي آلايشه اون لايق ستايشه
دوستش دارم دوستم داره جون و دلم فداش بشه
اون واسه من مقدسه عشقش جدا از هوسه
تو بي کسي ديدم که اون تنها کسه يه بي کسه
سنگ صبور اشکمه زخمامو اون يه مرهمه
از خويپهاش هرچي بگم قسم به دل بازم کمه
قسم به دل بازم کمه

رونق و نور کلبه مه تنها خودش عزيزمه
دوريش برام هلا هله اين حرفو ميدونن همه
يه شب بهم گفت مهربون من مي مونم تو هم بمون
گفتش بهم اي باوفا يادت نره اين عهدمون
از بين صدها کس و کس اون بود برام يه همنفس
حق داشت ميون اون کسها عاشق بود و دور از هوس
عاشق بود و دور از هوس

حرفهاش برام حکم حيات شيرين تر از نقل و نبات
گفتم بهش ناجيم شدي واسه اينکه ميميرم برات
حرفهاش برام حکم حيات شيرين تر از نقل و نبات
گفتم بهش ناجيم شدي واسه اينکه ميميرم برات
واسه اينکه ميميرم برات

مادر

نور مهتابي به شبهام مثل آفتابي تو روياي
مثل يك نسيم عشقي مادر با تو من مالک دنياي
تو خود عشقو و صفايي نعمتي از اون خدايي
تو طراوت بهاري مادر تو صداي بي صدايي
تو صداي بي صدايي

با تو من به وسعت ستاره ها خوشبختم
بي تو من گدا و با تو مادر صاحب صد تختم
اي تو آبادي من در اوج ويراني ها
با وجودت با سعادت بي تو من بدبختم
با تو من به وسعت ستاره ها خوشبختم مادر
بي تو من گدا و با تو مادرم صاحب صد تختم

ای تو آبادی من در اوج ویرانی ها
با وجودت با سعادت بی تو من بدبختم
مادر مادر. . .

دل تو آفتابیه آسمونش آیه
دل تو آفتابیه آسمونش آیه
بگو مادر بگو مادر قلبت از من راضیه
دل تو آفتابیه آسمونش آیه
بگو مادر بگو مادر قلبت از من..... راضیه...
بگو مادر بگو مادر قلبت از من..... راضیه

پدر

بوی لاله بوی شبنم میده دستت
بوی احساس و محبت میده دستت
بوی رحمت بوی زحمت میده دستت
بوی الفت بوی نعمت میده دستت
بوی لاله بوی شبنم میده دستت
بوی احساس و محبت میده دستت
بوی رحمت بوی زحمت میده دستت
بوی الفت بوی نعمت میده دستت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
توی اوج خستگی بشاش رویت
مهربانانه ترین خلق و خویت
توی اوج خستگی بشاش رویت
مهربانانه ترین خلق و خویت
همه ی عالم به گوش تو به گوشه
من بشم قوریون هر تار ریزه ی مویت
همه ی عالم به گوش تو به گوشه
من بشم قوریون هر تار ریزه ی مویت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
ای برای هر جوونی حکم یک رود
ای تویی منبع عشق و رحمت و جون
تا تو هستی رو سرم عین وجودم
زندگیم بی تو پدر جون می شه نابود
ای برای هر جوونی حکم یک رود
ای تویی منبع عشق و رحمت و جون
تا تو هستی رو سرم عین وجودم
زندگیم بی تو پدر جون می شه نابود
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت
پدر قریون دستت پدر قریون دستت

نام آلبوم: کما

وقتی نمی بینم تو رو

دلم برات تنگه عزیز یادی نمیکنی ز من
دارم دیوونه می شم و نمی بینی نیاز من
می خوام ببینمت ولی فاصله از من تا خداست
خودم هزار و یک طرف همه حواسم به شماست

وقتی نمی بینم تورو چشمامو واسه کی بخوام

نفس برام سمی می شه هوا رو واسه کی بخوام
انگار نه انگار که دلی برای بودن تو بود
رفتی و بین آدما شدم یکی بود و نبود

یه جور واقعی تو رو حس می کنم توی تنم
به جون تو بدون تو دیگه دارم دق می کنم
صورت ماه تو عزیز دیواری خونه شده
هر کی میبینتم میگه طفلکی دیوونه شده

تو رو خدا راضی نشو بیشتر از این هدر بشم
دیگه بسه راضی نشو این جوری در بدر بشم

کما

تو میتونی من و از پا درآری تو میتونی که اشکم در بیاری
فقط تویی که میتونی عزیزم منو عمری توی کما بزاری
تو میتونی که روحم رو پاشی تو میتونی دوسم نداشته باشی
آره تویی که میتونی عزیزم بری لحظه ای یاد ما نباشی
ولی خوب میدونی نمیتونی بگیری از دلم هواتو
ولی خوب میدونی نمیتونی بگیری از من خاطرات و
تو میتونی نبینی خستگیمو
تو میتونی نفهمی بچگیمو
تو میتونی که نادیده بگیری
تمام لحظه های زندگیمو
بی وفایی تو خونت میدونم
میتونی بگذری اینم میدونم
میدونم میتونی بشنوی ساده
دل و حرمت هر چی هست میدونم
ولی خوب میدونی نمیتونی بگیری از دلم هواتو
ولی خوب میدونی نمیتونی بگیری از من خاطراتو

گولم نزن

پنهون نکن فریتو
می خندی اما زورکی
نگاهت از من خالیه
بهانه هاتم الکی

تو دیگه ما رو نمی خوای
این از نگات مشخصه
من می دونم دستای من
به دست تو نمی رسه

فریبه حتی گریه هاتو لحظه هاتو بودن هاتو موندن هاتو خواستن هات

دیگه گولم نزن دروغ نگو
نگو که قلبت با منه
نگو که نبض لحظه هات
فقط واسه من می زنه

دیگه گولم نزن دروغ نگو
نگو که قلبت با منه
نگو که نبض لحظه هات
فقط واسه من می زنه

چقده ساده بودم
تو این همه تو رو نشناخته بودم
به حيله هات دلم رو باخته بودم
که قلبت با منه

چقدر دیوونه بودم
حتی وقتی دستت رو خونده بودم
بازم به تو من چیزی نگفتم
که قلبت نشکنه

چقدّه ساده بودم
تو این همه تو رو نشناخته بودم
به حيله هات دلم رو باخته بودم
که قلبت با منه

چقدر دیوونه بودم
حتی وقتی دستت رو خونده بودم
بازم به تو من چیزی نگفتم
که قلبت نشکنه

پنهون نکن فریتو
می خندی اما زورکی
نگاهت از من خالیه
بهانه هاتم الکی

تو دیگه ما رو نمی خوای
این از نگات مشخصه
من می دونم دستای من
به دست تو نمی رسه

فریبه حتی گریه هاتو لحظه هاتو بودن هاتو موندن هاتو خواستن هات

دیگه گولم زن دروغ نگو
نگو که قلبت با منه
نگو که نبض لحظه هات
فقط واسه من می زنه

دیگه گولم زن دروغ نگو
نگو که قلبت با منه
نگو که نبض لحظه هات
فقط واسه من می زنه

دل سنگی

خودمو گول میزدم توی دو رنگی
نمیخواستم ببینم اون دل سنگیت
می دیدم داشتی یواش یواش می رفتی
اما خواستم خوش باشی توی زرنگی
هی می گفتم دل خوش فردا می مونم
واسه خوندن تو بودی تنها بهونم
هی می گفتم به خودم همش خیال
همه این حرفا یه شوخی می دونم
تو چشات برقی نبود مثل گذشته
تازه فهمیدم از این حرفا گذشته
من همونیم که بودم تو داری عوض میشی
من همونیم که بودم تو داری عوض میشی

دلم راضی نمی شه

خودم میخوام دلم راضی نمیشه
خودم میخوام دلم میگه نمیشه
تو از من دور شدي واسه همیشه
خودم میخوام دلم راضی نمیشه

هر چي بهش ميگم دل ديگه بسه
ميگه درها ي عاشقي رو بسته
ميگه فكر نمکني هنوز نشسته
خودم ميخوام ولي دل ميگه بسه

دلم ميگه که خواستنت فرييه
نگاهم ديگه با نگات غريبه
نميخواه که دوباره دريه در شه
آخه دلم هنوز پاك و نجيبه

خودم ميخوام ولي دل روبرومه
ميگه عاشقي تنها ابرومه
نبر ابروي عشقي دوباره
طاقت زخم تازه اي نداره

خودم ميخوام آره ميخوام
خودم ميخوام دلم راضي نميشه

چيزی نگو

چيزي نگو
قسم نخور
تمام حرفات يه دروغه
کسي نگفت خودم ديدم
خونه ي قلب تو شلوغه
چيزي نگو
لياقت عشق مقدسم نبود
حس ميکنم نبودي و
بودنتم يه قصه بود
تو ديگه مردې و اين حرف آخره
بذار عشق تو از خاطر مې بره
فكر مې کردم قلبت مال منه
اما انگار صد شاخه مې پره
اسمت و پاك کردم از تو دفترام
بيخودي قسم نخور ديگه سخت برام
تو رو باور داشتم و مې خواستمت
چرا آتیش کشيدي همه ي باورام
کسي نگفت بهم من خودم ديدم
اما راستش و بخوای يه چيزي نفهميدم
چرا وقتي تو رو از عشق خالي ديدم
به جاي گريه به حالت مې خنديدم
ميدونم واسه اينه که ديگه بي ارزشي
واسه دل همه عروسک نمايشي
تو که ميگذري ساده از اين همه عشق
لياقت نداري ديگه با من باشي
چيزي نگو
قسم نخور
تمام حرفات يه دروغه
کسي نگفت خودم ديدم
خونه ي قلب تو شلوغه
چيزي نگو
لياقت عشق مقدسم نبود
حس ميکنم نبودي و
بودنتم يه قصه بود

چشم تو

بغض نکن بهار من بغض تو آبم می کنه
گول اشکای چشمت خورد و خرابم می کنه
بغض نکن که قلب من تو سینه پرپر می زنه
آخه اون چشمای تو تموم دنیای منه
تو چشمت که اشک میاد یه جورایی دیوونه می شم
صد هزار آبادی هم باشه یک ویروونه می شم
دست تو ، تو دستمه دیگه مهم نیست چی کمه
بغض نکن که بغض تو آتیش به جونم می زنه
وقتی اشک تو چشمت دنیای سرم خراب میشه
دشت سر سبز نگاهت یک هو برام سراب میشه
بغض تو مثل یک خنجر تیکه پارم می کنه
بغض نکن غم چشمت داره بیچارم می کنه
من می خوام تو چشم تو زلال و آفتابی باشه
من باشم تو باشی و یک شب مهتابی باشه
هر چی گفتمی تو باشه حتی اگه به قیمت سوختن و شکستن و عمری بس تابمی باشه

بازم من بازم تو

بازم من بازم تو باز از نو روی یک خط و یک جا و با هم
تو اونجا من اینجا دو نزدیک و نزدیکیم اما دوری از هم
نه تو حرف من نه من حرف تو میخونی و میخونم
نه تو قصد من نه من قصد تو میدونی و میدونم

نبودت یه درده بودندت یه درده
شدم از روی قصه یه اجیر و برده
نه تو منو میفهمی نه یه روح رحمی
بگو عاشقی برگرده
دیگه عشق عذابیه دیگه خوشی تو خوابیه
چرا نمیخواهی بفهمی که حال و روزم خرابیه
دیگه بسه بازی نمیخواهی بسازی
دلم عاشقی بیتابه

نام آلبوم: کلاغ غارغاری

کلاغ غارغاری

می گن کلاغ قارقاری
تو رو چه به باغ درباری
سکه نداری دون می خوای
عاشق مهربون می خوای

کاش بدونم دوستم داری
می گن که تو حق نداری
یک دلخوشی داشتم اونم
ازم گرفتن اجباری

پیغام رسید که اون ورا
جا نیست واسه کوچیک ترا
اهای کلاغ دیوونه
اونجا جای بزرگونه

کاش بدونم یک کسی هست
یک عمر میشه به پاش نشست
به پاش نشست و مرد براش

قارقاری کرد تو سرسراش

می گن باید فرار کنم
برم اخه چی کار کنم
چه خاکی من بر سر این
تک دل بیقرار کنم

میگن کلاغ قار قاری
اخره تو رو چه به باغ درباری.....

پیغام رسید که اون ورا
جا نیست واسه کوچیک ترا
برو این ورا پیدات نشه
کسی عاشق صدات نشه
کور شو نبینی هیچکی تا
کسی شیفته ی نگات نشه

اهای کلاغ قارقاری.....

فقط به خاطر تو

آخر یک روز دق میکنم فقط به خاطر تو
دنیا رو عاشق می کنم فقط به خاطر تو
سر به بیابون میزنم فقط به خاطر تو
رو دست مجنون میزنم فقط به خاطر تو
تو نمیخوای بیای پیشم فخر به خاطر من
من ولی سر زنش میشم فقط به خاطر تو
عشقم رو پنهون میکنی فقط به خاطر من
من دلم رو خون میکنم فقط به خاطر تو
از خوبی هات کم میکنی رشته رو مهکم میکنم
تو خودت رو گم کم میکنی من خودم رو گم میکنم
شعله رو خاموش میکنی شبو فراموش میکنم
تو خنده هات غم میزنی فقط به خاطر من
دنیا رو بر هم میزنم فقط به خاطر تو
1 روز میشم بی آبرو فقط به خاطر تو
قربونی 1 جستوجو فقط به خاطر تو
تو هم 1 روز میری سفر فقط به خاطر من
خیره میشن چشم به در فقط به خاطر تو
به من میگی تو دیونه فقط به خاطر من
جملت به یادم میمونه فقط به خاطر تو
تو منو بیرون میکنی فقط به خاطر من
قلیم رو ویرون میکنم فقط به خاطر تو
ناز میکنی برای من فقط به خاطر من
من میشینم به پای تو فقط به خاطر تو
میری سراغ زندگیت فقط به خاطر من
من میسوزم تو تشنگی فقط به خاطر تو
تو منو یادت نمیداد فقط به خاطر من
دلم کسی رو نمیخواد فقط به خاطر تو
گفتی برو از پیش من فقط به خاطر من
میرم به احترام تو فقط به خاطر تو
سر به بیابون میزنم فقط به خاطر من
رو دست مجنون میزنم فقط به خاطر تو
آخر 1 روز دق میکنم فقط به خاطر تو
دنیا رو عاشق میکنم فقط به خاطر تو
فقط به خاطر تو فقط به خاطر تو
فقط به خاطر تو فقط به خاطر تو

پناه آہ من

تويي تو پناه مني تو پناه آه مني شب سپاه من و تويي روزن
تو سکوتمې صدا تو عشق مني خدا به خونه ي دل چراغ روشن
هر جا بگي برو ميرم هر چي بگي بگو ميگم حتي اگه به قيمت جون باشه
ذره ذره آب ميشه دل هميشه بي تاب ميشه اگه توي غمها زندون باشه

تويي تو پناه مني تو پناه آه مني شب سپاه من و تويي روزن
تو سکوتمي صدا تو عشق مني خدا به خونه ي دل چراغ روشن
هر جا بگي برو ميرم هر چي بگي بگو ميگم حتي اگه به قيمت جون باشه
ذره ذره آب ميشه دل هميشه بي تاب ميشه اگه توي غمها زندون باشه

ها... لاي لاي لاي لاي لاياي

رنگ و نیرنگ

یه روز دیدم یه بلبللی اومد توباغچه ی خونم
چه چهی زد اومد نشست کنار گلبرگ خونم
تکون تکون میخوردو بعد رفت و اومد باز روز بعد
دیدم با گلبرگم میگفت میخوام تورو با خوب و بد
ساده و بی ربا بگم میخوام تورو دوستت دارم
باورنمینی چقدر قدر خدا دوستت دارم
گلبرگ پاک و خوش خیال فکر کرد عوض شده زمون
گذشت و چندروز بعد از اون رفتم بیرسم حالشون
دیدم گلم بهممرده بود بیچاره رنگش رفته بود
زود فهمیدم که بلبل آرزوهاشو برده بود
گل رنگ بلبل رو می دیددروغ و نیرنگش ندید
تاگل قشنگ بوداون نشست ازش که خسته شد پرید

آمده بهار

لاله به بار اومده بهار تو گلخونه نشسته غصه و غم چشماشو از رو قلب ماها بسته
لاله به بار اومده بهار تو گلخونه نشسته غصه و غم چشماشو از رو قلب ماها بسته
باز میزنه جوونه تو قلب همه صداقت باز میاد از تو کوچه‌ها بوی خوش رفاقت
باز میزنه جوونه تو قلب همه صداقت باز میاد از تو کوچه‌ها بوی خوش رفاقت
بوی خوش رفاقت

دلم هوای بوم خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
دلم هوای بوم خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
میخواد پر بکشه تا اوج پاکی هوای جام می میخونه کرده
هوای جام می میخونه کرده
آره دلم هوای بوم خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
دلم هوای بوم خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
میخواد پر بکشه تا اوج خوبی هوای جام می میخونه کرده
هوای جام می میخونه کرده

لاله به بار اومده بهار تو گلخونه نشسته غصه و غم چشماشو از رو قلب ماها بسته
لاله به بار اومده بهار تو گلخونه نشسته غصه و غم چشماشو از رو قلب ماها بسته
باز میزنه جوونه تو قلب همه صداقت باز میاد از تو کوچه‌ها بوی خوش رفاقت
باز میزنه جوونه تو قلب همه صداقت باز میاد از تو کوچه‌ها بوی خوش رفاقت
بوی خوش رفاقت

دلم هوای بوی خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
دلم هوای بوم خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
میخواد پر بزته تا اوج خوبی هوای جام می میخونه کرده
هوای جام می میخونه کرده
دلم هوای بوم خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
میخواد پر بکشه تا اوج خوبی هوای جام می میخونه کرده
هوای جام می میخونه کرده
کی میاد بریم به مهمونی عشقو مهربونی بدونید ای آدما قدر همین دو روز جوونی
بکنید شکر خدا رو هر امید و هر مصیبت الهی تو کار دل هیچوقت تو درمونده نمونی
الهی تو کار دل هیچوقت تو درمونده نمونی...
دلم هوای بوم خونه کرده صفا اومده خونه رو گلخونه کرده
میخواد پر بکشه تا اوج خوبی هوای جام می میخونه کرده
میخواد پر بزته تا اوج خوبی هوای جام می میخونه کرده
هوای جام می میخونه کرده

آروم آروم

آروم آروم توی قلبم لونه کردی
آروم آروم تو منودیوونه کردی
دلمو بردی ولی پسش ندادی
کلبه ی خرابمو گلخونه کردی
منوبردی دل وکشتی واسه دل هیچی نذاشتی
عمروجوونیموگرفتی خنجر توسینه کاشتی
منوکشتی دلوبردی واسه دل هیچی نذاشتی
عمروجوونیموگرفتی خنجر توسینه کاشتی
میخواستی من دلم بخشکه میگفتی خودم میکشتم
توی قله ی جوونی از غمت خم شده پشتم
عشق خاکی ارزش هیچی نداره
کسی که عاشق کس هیچکی نداره
عشق واقعی رو خاک نمیشه پیدا
مرد آواره میخواد با قلب شیدا
عشق خاکی روی خاک نمیشه پیدا
مرد آواره میخواد با قلب شیدا
عشق خاکی ارزش هیچی نداره
کسی که عاشق کس هیچکی نداره
عشق واقعی روی خاک نمیشه پیدا
مرد آواره میخواد با قلب شیدا
آروم آروم.....

یا مولا

قیامت قامت و قامت قیامت... قیامت میکنی ای سرو قامت
مؤذن گر ببیند قیامت را علی جان به قد قامت بماند تا قیامت
علی جان علی جان علی جان

یارم به کجا شهر و دیارم به کجا
یارم به کجا شهر و دیارم به کجا
یا مولا دلم تنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای مولا زیر سنگ اومده
غیر از تو بگو به کی شکایت بکنم
غیر از تو بگو به کی شکایت بکنم
یا مولا دلم تنگ اومده

شیشه‌ی دلم ای خدا زیر سنگ اومده
یا مولا دلم تنگ اومده
یا مولا دلم تنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای خدا زیر سنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای خدا زیر سنگ اومده

زار زار بگیریم بر فراق علی جان
زار زار بگیریم بر فراق علی جان
یا مولا دلم تنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای خدا زیر سنگ اومده
میکشد مرا عشقت علی جان هرکجا
میکشد مرا عشقت علی جان هرکجا
یا مولا دلم تنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای مولا زیر سنگ اومده
یا مولا دلم تنگ اومده
یا مولا دلم تنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای خدا زیر سنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای خدا زیر سنگ اومده
یا مولا دلم تنگ اومده
یا مولا دلم تنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای مولا زیر سنگ اومده
شیشه‌ی دلم ای مولا.... زیر سنگ اومده

نام آلبوم: پرچم مشکی

دلتنگ

دلتنگ نگاتم ... اسیر خندهاتم
می دونم که می دونی عمریه غرق هواتم
من لبریز عشقم پر از تو رو خواستن
کاش بدونی من دیوونه ی سادگی هاتم
مثل پروانه ها دورت می گردم
بزار دستاتو توی دستای سردم
من صداقتو با تو شناختم
عشق تو رو بردم و دل خودم رو باختم
هر جا که میرم مهربونی هات پیش رومه
کاش باورم کنی که بودن تو آبرومه
روز و شب میان میرن تو نیستی توی خونه
دیگه نفس کشیدنم بی عشق تو حرومه
حرومه ... حرومه ... حرومه
دلتنگ نگاتم اسیر خندهاتم
می دونم که می دونی عمریه غرق هواتم
من لبریز عشقم پر از تو رو خواستن
کاش بدونی من دیوونه ی سادگی هاتم
مثل پروانه ها دورت می گردم
بزار دستاتو توی دستای سردم
من صداقتو با تو شناختم
عشق تو رو بردم و دل خودم رو باختم

مارو باش

ما رو باش که فکر می کردیم میشه عاشق بود و موند
ما رو باش که فکر میکردیم میشه از عاشقی خوند
ما رو باش به عمریه از عاشقی دم میزنیم
عمریه که چونه ی زیاد و از کم میزنیم

ما روياش چه فكر ميكرديم و چي شد

چي ميشد اگه دروغ تو لحظه ي ما جا نداشت
چي ميشد اگه دورنگي ام ديگه معنا نداشت
كاش ميشد واسه هوس رفقا رو نفروخت
كاش ميشد صادقو رو ته هر آينه دوخت
چرا ما آدما گاهي وقتا خيلي بد ميشيم
واسه راه هم ديگه خواسته ناخواسته سد ميشيم
جاى مرحم واسه زخم عاشقا نمك ميشيم
هر كي با ما صادقه باهاش پر از كلك ميشيم
دلخوش هر كي شديم تو زرد از آب در اومدش
وقتي دلتنگي بياد هيچكي نمياد به دادش
ندونستيم چرا وقتي نوبت ماست دير ميشه
حرفهاي خوب واسه ما زخم زبون و تير ميشه
شايدم ما ندونستيم زندگي چه شكليه
كي سر كار كي نيست اصلا دنيا دست كيه ؟
ما به هر حال ميپریم بي چشم و دل بي پروياي
ما به مشكي دل خوشيم دورنگي ها رو بيخيال

ما رو باش كه فكر مي كرديم ميشه عاشق بود و موند
ما رو باش كه فكر ميكرديم ميشه از عاشقي خوند
ما رو باش په عمریه از عاشقي دم ميزنيم
عمریه كه چونه ي زياد و از كم ميزنيم

ما روياش چه فكر ميكرديم و چي شد

قاصدک

ترانه سرا : مهدی اخوان ثالث

قاصدك ! هان ، چه خبر آوردي ؟
از كجا وز كه خبر آوردي ؟
خوش خبر باشي ، اما ، اما ،
گرد بام و بر من
بي ثمر مي گردي
انتظار خبري نيست مرا
نه ز ياري نه ز ديار ديار
برو آنجا كه بود چشمي و گوشي با كس
برو آنجا كه تو را منتظرند
قاصدك
در دل من همه كورند و كرنند
دست بردار از اين در وطن خويش غريب
قاصد تجربه هاي همه تلخ
با دلم مي گويد
كه دروعي تو ، دروغ
كه فريبي تو ، فريب
راستي آيا جايي خبري هست هنوز ؟
مانده خاكستر گرمي ، جايي ؟
در اجاق طمعه شعله نمي ورزد خردك شرري هست هنوز ؟
قاصدك
ابرهاي همه عالم شب و روز
در دلم مي گریند
قاصدك ! هان ، چه خبر آوردي ؟
از كجا وز كه خبر آوردي ؟
خوش خبر باشي ، اما ، اما ،
گرد بام و بر من
بي ثمر مي گردي
انتظار خبري نيست مرا
نه ز ياري نه ز ديار ديار
برو آنجا كه بود چشمي و گوشي با كس

برو آنجا که تو را منتظرند
قاصدك
در دل من همه کورند و کردند

لب دریا

لب دریا رو به موجا
روی نیمکت تک و تنها
توی رویا با خیالت
زندگی رو زنده هستم

لب دریا عین موجا
باز به یادت می خروشم
تا بفهمی خیلی وقته
اینجا منتظر نشستم

لب دریا انتظارت، چه قشنگه
همه عمر انتظارت، چه قشنگه

دریا بازم منو فریاد می زنه
میگه خشکی جای موندن دیگه نیست
بیا دریایی شو تا ماهی باشیم
آخه ماهی توی آب زندونی نیست

لب دریا انتظارت، چه قشنگه
همه عمر انتظارت، چه قشنگه

عشق ساده

من از هزار سال خستگی
از کنج زندون اومدم
دلم کویر غربته
به عشق بارون اومدم
غرور تیکه تیکمو
می خوام که مرهم بذارم
غصه های په عمرمو
رو دوش عالم بذارم
من پی دست پاکی ام
غبار قلب پیرو
پاک کنه و رها کنه
رویا های اسیرمو
می خوام که از یاد ببرم
هرچی ازم گرفته شد
می خوام فراموش بکنم
هرچی رستم پنبه شد

خنده تلخ آدما
همیشه از دلخوشی نیست
گاهی شکستن دلی
کمتر از آدم کشی نیست
گاهی دل اونقدر تنگ میشه
که گریه هم کم میاره
په حرف خیلی ساده هست
گاهی چقدر غم میاره

بالا رفتیم ماست بود
اون پایینا دوغ بود

غصه عشق ساده
انگار همش دروغ بود

رسم آدما

یکی دسته گل واسش دلخوشیه
یکی عادتش برادر کشیه
یکی زاغ مردمو چوب می زنه
یکی از داغ دلش جون می کنه
یه نفر خوابه رو تخت نقره پوش
یکی حیرون توی دریای جنون
یکی زندگی رو زیبا می بینه
یکی اما خودشو ، تنهای تنها می بینه

آره این رسمه میون آدما
یکی داروغه ، یکی دارو بشه
نمیشه رسمشونو عوض کنی
اگه حتی آسمون وارو بشه
حالا حرف من با اون دسته ایه
که هنوز عاشقن و یکه سوار
جون هرچی مرده طاقت بیارین
که بریم با هم دیگه از این دیار

لالایی

سر تو بزار رو شونمو آروم بخواب گل بهار
من پیشتم تا خود صبح چشمتو آروم هم بزار
اونقده بیدار میمونم تا وقتی خوابت ببره
وقتی می خوابی رویا هم ناز نگاتو می خره
کابوس و زندون می کنم خواب بد می سوزونم
مثل یه گنجیشک کوچیک آروم بخواب مهربونم
دستت تو دستای من عزیز خوب و نازنین
چشمتو آروم هم بزار رو شاپر ابرها بشین
تا صبح برات شعر و غزل لالایی عشق می خونم
چشمتو آروم هم بزار من اینجا بیدار می مونم
حافظ خواب تو میشیم من و خدای خوب دل
چشمتو فردا میبینم خوب بخوابی ... شب بخیر
سر تو بزار رو شونمو آروم بخواب گل بهار
من پیشتم تا خود صبح چشمتو آروم هم بزار

نگین الماس

نه دلخوشی برای من
نه عشقی تو وجود تو
نه حتی احساس قشنگ
تو عمق تارو و پود تو
حرفهای عاشقونه هم گمشده تو حرفهای تو
از ته قلبت نمیداد دوستت دارم گفتنت
برات حقیر و پوچ شده
این تن بی ارزش من
اشکی که تو چشمتا نمیداد
با هقفه اُ بارش من
برات نگین الماس ارگ سیاه باغیرمن
حرف همه مقدس
هر کی باشه اما نه من
اما نه من
اما نه من

نگو نه

واسه موندن ديگه ديره نگو نه
دلم از عاشقی سیره نگو نه
باغچه ی سبز دل عاشق من
ديگه همرنګ کوير نگو نه
اون زمون عاشق تو جوونی کرد
اما حالا ديگه پيره نگو نه
همیشه دروغ می گی وقتی میشم
توی چشمای تو خیره نگو نه
می دونی حسی که محتاج تو بود
داره کم کمک میمیره نگو نه
یه روزی گفתי می خوام برم حالا
پای من یه جایی گیره نگو نه
وقتی منتظر بودم کجا بودی
حالا اومدی که دیر نگو نه
می دونم جواب تو به این غزل
یه سکوت ناگزیره نگو نه
یه سکوت ناگزیره نگو نه
می دونی حسی که محتاج تو بود
داره کم کمک میمیره نگو نه
یه روزی گفתי می خوام برم حالا
پای من یه جایی گیره نگو نه
وقتی منتظر بودم کجا بودی
حالا اومدی که دیر نگو نه
می دونم جواب تو به این غزل
یه سکوت ناگزیره نگو نه
یه سکوت ناگزیره نگو نه
واسه موندن ديگه ديره نگو نه
دلم از عاشقی سیره نگو نه
باغچه ی سبز دل عاشق من
ديگه همرنګ کوير نگو نه
اون زمون عاشق تو جوونی کرد
اما حالا ديگه پيره نگو نه
همیشه دروغ می گی وقتی میشم
توی چشمای تو خیره نگو نه

با ما بد کردی

نمیتونم ببخشم
دور شو برو نبینمت
تیکه ای بودی از دلم
گنبدیدی و بریدمت

هزار و يك رنگي بدون
دروغ و نیرنگي بدون
واسه دل عاشق من
بد نامي و ننگي بدون

راهمو کج کردی عزیز
عشقمو رد کردی عزیز
خودت ندونستی چي کردی
با ما بد کردی عزیز

یادت میاد گفتم بهت
اگه نمیشی مرهمم
تو رو خدا زخمم نشو

که تیکه پاره است بدنم

تو عین ناباوریه
تو هم شدي يه زخم نو
هیچ نمیخوام مثل تو شم
از جلوي چشم برو

راهمو کج کردی عزیز
عشقمو رد کردی عزیز
خودت ندونستی چی کردی
با ما بد کردی عزیز

راهمو کج کردی عزیز
عشقمو رد کردی عزیز
خودت ندونستی چی کردی
با ما بد کردی عزیز

احساس

هنوزم در پی اونم که میشه عاشقش باشم
مثل دریای من باشه ، منم چون قایقش باشم
هنوزم در پی اونم که میشه عاشقش باشم
مثل دریای من باشه ، منم چون قایقش باشم
منم چون قایقش باشم

هنوزم در پی اونم که عمری مرهمم باشه
شریک خنده و شادی ، رفیق ماتمم باشه

خدایا عشق من پاکه، اگرچه عشقی از خاکه
منم اون عاشق خاکی که از عشقه تو دل چاکه

میگن جوینده یابنده ست، ولی پاهای من خسته ست
من حتی با همین پاها میرم تا حدی که جا هست

میگن جوینده یابنده ست، ولی پاهای من خسته ست
من حتی با همین پاها میرم تا حدی که جا هست

هنوزم در پی اونم که اشکامو روی گونم با اون دستهای پر مهرش کنه پاک و بگه جونم
بگه جونم نکن گریه منم اینجا، بزار دستاتو تو دستام
تو احساس منو می خوای منم ای وای تو رو می خوام

هنوزم در پی اونم که اشکامو روی گونم با اون دستهای پر مهرش کنه پاک و بگه جونم
بگه جونم نکن گریه منم اینجا، بزار دستاتو تو دستام
تو احساس منو می خوای منم ای وای تو رو می خوام
تو احساس منو می خوای منم ای وای تو رو می خوام
تو احساس منو می خوای منم ای وای تو رو می خوام

آخه تنهام

نمی تونم نمی تونم خنده کنم
دلَم رو از خوشی ها آکنده کنم
آخه تنهام آخه تنهام
یه آشنا سنگ صبور یه کس می خوام
دیگه دارم خفه می شم نفس می خوام
آخه تنهام آخه تنهام

توی دل صحرا تو عمق دریا پی تو می گشتم و ندیدمت
توی خط کتاب و توی تب تاب پی تو می گشتم و ندیدمت

تا اینکه دونستم دنبال تو باید با چشمای دل می گشتم
آخه تو خدا جون ساحل امید من و برای ساحل می گشتم

آره دیگه دونستم
که تو کس نیستی
نفس نیستی
نه هوس نیستی
همه جا هستی و هیجا نیستی

رمز امیدی
صبح سپیدی
عشق و نویدی خداجون
زندونی دردم فقط تویی ای تو
کلید قفل این زندون

نام آلبوم: دلم برات میسوزه



انتشار : ۱۳۸۴

باختي

دلم برات مي سوزه

قربون برم خدا رو ، دنیا چقدر کوچیکه
مرز دیروز و امروز ، قد یم مو باریکه
چه خنده دار حالت ، دلم برات می سوزه
برگشتی که چی بشه ؟ فک کردی که دیروزه

اون روزی که می رفتی اشکام چه ریزه ریزه
بین حالا چه جویری اشکات داره می ریزه
بی تفاوت می رفتی ، پیش تو می شکستم
حالا تو می شکنیو ، بی تفاوت نشستم

اون روزی که روزت بود ، روزامو بد گرفتی
حرفات تو گوش من موند ، یادت میاد چی گفتی
صدای تقو توقوت ، استخونام شنیدی ؟
اما با طعنه گفتی ، شتر دیدی ندیدی

یادت میاد می گفتی ، هر چی که بود بازی بود
طفلی دلم که حتی ، به بازی هم رازی بود
یادت میاد می گفتی ، پیر شدی و بریدی
حالا من اینو میگم ، که خیلی دیر رسیدی
من از تو یاد گرفتم ، ساده گذشتنارو
یه آخرین کلامو ، نامه نوشتنارو
من از تو یاد گرفتم ، برم به یک بهانه

اونم بښه سکانس ، آخر عاشفانه

حالا برو از اینجا ، برو هر جا تونستی
دور شدی از خیالم ، تو خودت اینو خواستی
یه روز بهم می گفتی، عشقم خیالو رویاست
نوبتی ام که باشه ، ایندفعه نوبت ماست

سکوت غم

از تموم دنیا و دارو ندارش
شونه هات و کم دارم برای بارش

زخمیه خنجر زهر آگین یارم
تو که تازه اومدی تنها ندارم

به چشمام خوب خیره شو ببین چه پیرم
من و دریاب خوب من دارم میمیرم

دیگه حتی ناپی نیست برای گفتن
خیلی وقته تو سکوت غم اسیرم

یک لحظه خوبی به من بده از من بگیر روح و تنم
برای یک لحظه خوشی به هر دردی در میزنم

برگردون عمر رفتم رو حتی واسه یک ثانیه
دل خوش کنم حتی دو روز از من مگه چی باقیه؟

یک لحظه خوبی به من بده از من بگیر روح و تنم
برای یک لحظه خوشی به هر دردی در میزنم

برگردون عمر رفتم رو حتی واسه یک ثانیه
دل خوش کنم حتی دو روز از من مگه چی باقیه؟

غربتم رو آشنایی کن بهارم
روزام و دریاب عزیز شد قطارم

تنها یک ثانیه عاشقی به جز این
هیچ توقعی از این روزها ندارم

یک لحظه خوبی به من بده از من بگیر روح و تنم
برای یک لحظه خوشی به هر دردی در میزنم

برگردون عمر رفتم رو حتی واسه یک ثانیه
دل خوش کنم حتی دو روز از من مگه چی باقیه؟

یک لحظه خوبی به من بده از من بگیر روح و تنم
برای یک لحظه خوشی به هر دردی در میزنم

برگردون عمر رفتم رو حتی واسه یک ثانیه
دل خوش کنم حتی دو روز از من مگه چی باقیه؟

این غم که تو صدامه
زخم شب گریه هامه
یاد یه عشقه کهنس
که هنوزم باهامه
با ما که راه نیومد
این روزگار نامرد
صدای من به جز تو
رو هر دلی اثر کرد
غصه و اشک و حسرت
اول مشق عشقه
ما رو همه می دونن
که مشکی رنگه عشقه
کاشکی می شد یه روزی
بشی تو مهربونم
سر بذاری رو شوونم
خودم برات بخونم
دلبر برات تنگ شده جونم
می خوام ببینمت نمی تونم
بین مادیوارای سنگی
فاصله یک عمر می دونم
پنجره ی چشمای تو
کاشکی به چشمام وا بشه
این بغض چند ساله ی من
از تو گلوم رها بشه
من که فراموش کردنت
چرا و اما داشت برام
بابای بارونت می شم
بیا و گم کن گریه هام
با صد دلم با صد تنم
با صد تمام زندگیم
از تو دوباره من شدم
با تو حروم شد زندگیم
با صد دلم با صد تنم
ای سرپناه خستگیم
آرامش وجود من
بی حروم شد زندگیم
از یه بغض قدیمی
ببین کجا رسیدم
میون این جمعیت
هرگز تورو ندیدم
چه باشی چه نباشی
از عاشقی می خونم
تا آخرین عمرم
یه مشکی پوش می مونم

نرو

نرو تو هم مثل من نمی تونی دووم بیاری
نرو تو هم مثل من تو غصه کم میاری
نرو آه نرو
نرو تو هم می پوسی میمیری بی من نرو
تو هم طاعون غم می گیری ای من نرو
آه نرو نرو نرو
تو که میدونی من بی تو
تو بی من یعنی حسرت

تو که میدونی بی جواب میمونه عشق و عادت
تو که میدونی کم میشم
تو که میدونی کم میشی
تو که میدونی هم آغوشه غم میشی نرو
آه نرو نرو
بری جواب روزاتو چی میدی؟
حرفای مارو تو گوش کی می گی؟
تو میدونی توی این بچه بازی
من و تو هر دو بازنده ی بازی
نرو که رفتنت صلاح ما نیست
بین جدایی تو نگاه ما نیست
نرو نذار بگم عشق یعنی حسرت
نذار که این تمنا بشه نفرت
نرو
تو که میدونی من بی تو
تو بی من یعنی حسرت
تو که میدونی بی جواب میمونه عشق و عادت
تو که میدونی کم میشم
تو که میدونی کم میشی
تو که میدونی هم آغوشه غم میشی پس نرو
آه نرو نرو

بشکن

زورکی نخند عزیزم ، میدونم اومدی بازی
نمیخوام این آخرین ، بازی زندگیم ببازیم
خودتو راحت کنو ، فکر کن که جبران گذشته اس
از منم میگذره اما به دلت چاره نسازی
اومدی بشکنی بشکن ، از من ساده چی مونده قبل تو هر کی بوده ، تموم تار و پود سوزونده
تو هم از یکی دیگه سوختی میخوای تلافی باشه
بیا این تو و دلو & باقی احساسی که مونده
دل ما اونقده پاره س ، موندنش مرگ دوباره س
آسمون سینه ما ، خیلی وقته بی ستاره س
همینی که باقی مونده ، واسه دلخوشی تو بشکن
تیکه تیکه هامو بردن ، آخرینشم تو بکن
نمیخوام بگذره عمری ، خسته شی واسه فریم
یقتو نمیگیره هیچکس ، آخه من اینجا غریبم
بزنو برو عزیزم ، مثل هر کس که زد و برد
طفلی این دل که همیشه ، به گناه دیگران مرد
نفرتت به از غریبه ، سر یک غریب خراب کن
خنده کوتاهم اما ، بیا گریه کن عذاب کن
مهم نیست که چه جرمی، یا گناهی این سزاشه
باقی دلم به مشت خاک، همینم میخوام نباشه
عقده های یک شکستو ، خالی کن سر دل من
دیگه متروک مونده واست ، خاک پیر ساحل من
از نگاهات خوب می فهمم ، که تو فکرت یک فریبه
بازی بسه پاشو بشکن ، من غریبو تو غریبه

دل ما اونقده پاره س ، موندنش مرگ دوباره س
آسمون سینه ما ، خیلی وقته بی ستاره س

همینی که باقی مونده ، واسه دلخوشی تو بشکن
تیکه تیکه هامو بردن ، آخرینشم تو بکن

نمیخوام بگذره عمری ، خسته شی واسه فرییم
یقتو نمیگیره هیچکس ، من که با خودم غرییم

بزنو برو عزیزم ، مثل هر کس که زد و برد
طفلی این دل که همیشه ، به گناه دیگرون مـرد

دل ما اونقده پاره س ، موندنش مرگ دوباره س
آسمون سینه ما ، خیلی وقته بی ستاره س

همینی که باقی مونده ، واسه دلخوشی تو بشکن
تیکه تیکه هامو بردن ، آخرینشم تو بکن

وقتی رفتی

وقتی رفتی همه چی رفت
همه ی دلبستگی رفت
شب و روز من یکی شد
حتی حس زندگی رفت
دیگه بی تو مرده بودم
حرف مردم شده بودم
توی آغوش نبودت
تو خودم گم شده بودم
وقتی رفتی تازه فهمیدم کی بودی
برای من تپش زندگی بودی
وقتی رفتی دیگه اون پنجره خوابید
وقتی رفتی آره رفتی وقتی رفتی
از تو مونده یادگاری
واسه ی من بی قراری
خنده رو لبام اما
از دلم خبر نداری
نه تو بودی نه ترانه
نه یه حرف عاشقانه
من مگه از تو چی خواستم
فقط و فقط بهانه
وقتی رفتی همه چی رفت
همه ی دلبستگی رفت
شب و روز من یکی شد
حتی حس زندگی رفت
دیگه بی تو مرده بودم
حرف مردم شده بودم
توی آغوش نبودت
تو خودم گم شده بودم
وقتی رفتی تازه فهمیدم کی بودی
برای من تپش زندگی بودی
وقتی رفتی دیگه اون پنجره خوابید
وقتی رفتی آره رفتی وقتی رفتی

باورم همیشه

باورم همیشه دستات
توی دسته منہ چشمات
توی چشم منہ قلبم
داره تند تند می زنه
حس میکنم که خواب می بینم
باورم همیشه میگی تا ابد مال منی حرفائی که میخوام میزنی قلبم
داری از جا میکنی
حس می کنم عاشق ترینم
باور کردنی نیست
این عشق و غمی نیست
از درد و کمی نیست
وقتی که تو هستی
باور کردنی نیست
این عشق و غمی نیست
از درد و کمی نیست
وقتی تو هستی

باورم همیشه دنیام
داره با من را میاد فردام
عشق تو از من میخواد غمهام دادم به دست باد
دیگه نمی خوام که بمیرم
باورم همیشه اشکام
دیگه از بی کسی نیست حرفام
دیگه از نارسایی نیست دستانم
با تو دیگه خالی نیست
حس میکنم دیگه امیرم

باور کردنی نیست
این عشق و غمی نیست
از درد و کمی نیست
وقتی که تو هستی
باور کردنی نیست
این عشق و غمی نیست
از درد و کمی نیست
وقتی تو هستی

نام آلبوم: مستانه و دیوانه

به تو می اندیشم

نه به فردایی پر از خاطره می اندیشم
نه به دنیایی پر از حادثه می اندیشم
نه به خویش و نه به عالم و نه به پاییز و بهار
نه به امواج پر از آینه می اندیشم
نه به فردایی پر از حادثه می اندیشم
نه به دنیایی پر از خاطره می اندیشم
نه به خویش و نه به عالم و نه به پاییز و بهار
نه به امواج پر از آینه می اندیشم
نه به این بار گران نه به این آب روان
نه به این و نه به آن به تو می اندیشم
نه به تخت و نه به زینت
دل نبستم بر زمینت
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
نه به تخت و نه به زینت
دل نبستم بر زمینت

نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
با تو عاشقم همیشه
تویی برگ و تویی ریشه
با تو عاشقم همیشه
تویی برگ و تویی ریشه
کرده این ساده ی عاشق
تو تنم عشق تو ریشه
کرده این ساده ی عاشق
تو تنم عشق تو ریشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمین
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمین
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمین
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
با تو عاشقم همیشه
تویی برگ و تویی ریشه
کرده این ساده ی عاشق
تو تنم عشق تو ریشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه.....

بارون دانه دانه

بارون دانه دانه
سر اژدن رو خانه
فصل بهار نزدیکه
گلی زده جوانه
بندر و خاک پاکش
مردم سینه چاکش
مهریونی فراوان
کوه گنو کنارش
باران دانه دانه
سر اژدن رو خانه
فصل بهار نزدیکه
گلی زده جوانه
بندر و خاک پاکش
مردم سینه چاکش
مهریونی فراوان
کوه گنو کنارش

موا بگم بندر ما يه تکه از بهشته
اي گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته
موا بگم بندر ما يه تکه از بهشته
اي گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته
بندر خويم
در جنوبم
بي تو مو هيچم
حبابو وجودم
طلایه دار
هر چي صفایي
هدیه پاکي
از آن خدایي
هدیه پاکي
از آن خدایي
موا بگم بندر ما يه تکه از بهشته
اي گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته
موا بگم بندر ما يه تکه از بهشته
اي گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته

عشق شما

من و عشق شما
من و دست دعا
منم و يك دل غمگين و بار سنگين و غم فردا
من و عشق شما
من و دست دعا
منم و يك دل غمگين و بار سنگين و غم فردا
منم و يك دل بيفرار تن
منم و يك فصل بهار بي رنگ
منم و دنيایي بي صدا
انتظاري پر بها كه دلش خونه
منم و چند قاب عزيز سهراب
منم و لحظه هاي غريب و بي تاب
منم اون آوازه خون شهرم
كه تك و تنها با تو مي خونه
منم و يك دل بيفرار تن
منم و يك فصل بهار بي رنگ
منم و دنيایي بي صدا
انتظاري پر بها كه دلش خونه
منم و چند قاب عزيز سهراب
منم و لحظه هاي غريب و بي تاب
منم اون آوازه خون شهرم
كه تك و تنها با تو مي خونه
منم و يك دل بيفرار تن
منم و يك فصل بهار بي رنگ
منم و دنيایي بي صدا
انتظاري پر بها كه دلش خونه
منم و چند قاب عزيز سهراب
منم و لحظه هاي غريب و بي تاب
منم اون آوازه خون شهرم
كه تك و تنها با تو مي خونه
من و عشق شما
من و دست دعا
منم و يك دل غمگين و بار سنگين و غم فردا
منم و يك دل بيفرار تن
منم و يك فصل بهار بي رنگ
منم و دنيایي بي صدا

انتظاري پر بها که دلش خونه
منم و چند قاب عزيز سهراب
منم و لحظه هاي غريب و بي تاب
منم اون آوازه خون شهرم
که تڪ و تنها با تو مي خونه

قلندر

اوني که يه عمر ايستاده منم
اوني که واسه ي تو جون داده منم
اوني که ميگرده و مي خونه
واسه مردم تو غمش شاده منم
اوني که قلندر شهره و کارش به کسي نيست
توي اين شهر به اين بزرگي يک هم نفسي نيست
اوني که ندیده جز تو ياور و هم دم و مونس
جز تو اي خدای خويم تو وجود من کسي نيست
جز تو اي خدای خويم تو وجود من کسي نيست
اوني که همیشه هم راز دلم بود تويي
اوني که فقط دلم پيش تو آسود تويي
اوني که بخاطرت با همه جنگيد منم
اوني که واسه ي تو از همه ستم دید منم
اوني که واسه ي تو از همه ستم دید منم
اوني که همیشه هم راز دلم بود تويي
اوني که فقط دلم پيش تو آسود تويي
اوني که بخاطرت با همه جنگيد منم
اوني که واسه ي تو از همه ستم دید منم
اوني که واسه ي تو از همه ستم دید منم

اوني که قلندر شهره و کارش به کسي نيست
توي اين شهر به اين بزرگي يک هم نفسي نيست
اوني که ندیده جز تو ياور و هم دم و مونس
جز تو اي خدای خويم تو وجود من کسي نيست
جز تو اي خدای خويم تو وجود من کسي نيست
اوني که يه عمر ايستاده منم
اوني که واسه ي تو جون داده منم
اوني که ميگرده و مي خونه
واسه مردم تو غمش شاده منم

نام آلبوم: بندر قدیم

با تو ام ای سهراب

با توام اي سهراب
اي به پاكي چون آب
يادته گفتي بهم
تا شقايق زندست زندگي بايد کرد؟
نيستي سهراب ببيني که شقايق هم مرد
ديگه با چي کسي رو دلخوش کرد
يادته گفتي بهم اومدي سراغ من
نرم و آهسته بيا
که ميادا ترکي برداره
چيني نازک تنهايي تو
اومدم آهسته
نرم تر از يک پر قو
خسته از دورې راه
خسته و چشم براه
يادته گفتي بهم

عاشقی یعنی دچار
فکر کنم شدم دچار
تو خودت گفتی چه تنهاست ماهی اگه دچار دریا باشه
آره تنها باشه
یار غمها باشه
یادته میگفتی گاهگاهی قفسی میسازم
میفروشم به شما
تا به آواز شقایق که در آن زندانیست
دل تنهایتان تازه شود
دیگه حتی اون شقایق که اسیره قفس سهراب
ساحر یک نفسه
نیست که تازگی بده این دل تنهایمان
پس کجاست اون قفس شقایق؟
منو با خودت ببر به قایق
راست میگفتی کاش مردم دانه های دلشان پیدا بود
آره... کاشکی دلشون شیدا بود
من به دنبال یه چیز بهترینم سهراب
تو خودت گفتی بهم
بهترین چیز رسیدن به نگاهیت
که از حادثهء عشق تر است

یک نگاه ساده

بعضی وقتا یه نگاه ساده
میسازه از یک نفر ... عاشقی دل داده
شاعری آواره ... عاشقی بی چاره
بعد از اون تیکه نگاه
انگار افتادم تو چاه
بی خود از خود شد و رفت اون جوون سر به راه
نه میشه ازش نوشت
نه میشه ازش گذشت
نه میون جمع و نه توی خلوت دشت
از همون لحظه نگاه
دل من شدی رفیق نیمه راه
یادته قول داده بودی دیگه از من دور نشی
چشماتو وا کن دلم قول داده بودی کور نشی
دیگه لج بازی نکن
دلکم اینقده با این تن پیربازی نکن
انگار هیچی ندیدی
بگذار و بگذر دل من
از ما گفتن یه روزی میمیری آخر دل من
نه تو اولین بودی نه آخرین تو عاشقی
می دونم حق هم داری مونده درونت عاشقی

توروچون هرکسی که دوست داری
دیگه دست بردارازاین قصه عشق
توکجا وعشق کجا
نداری طاقت عشق
با نگاهت ای دلم کاری دادی به دست ما
چشم من خوب می پیچونی این دل سرمست ما
به ارواح خاک این دلم قسم
بذارتا که بیکسم
نمیدم این دل مرده رو به چشم تاکه زنده اش کنه ویگیره بونه ی عشق

بتاب ای ماه تابان

بتاب ای مه تابان
کجا میری شتابون
بمون که شب درازه

واست اوامده يه مهمون
منم مهمونت امشب
نذار دلم برنجه
نمی خوام گنجه عالم
همین نورت يه گنجه
بتاب ای مه تابان
کجا میری شتابون
بمون که شب درازه
واست اوامده يه مهمون
منم مهمونت امشب
نذار دلم برنجه
نمی خوام گنچ عالم
همین نورت يه گنجه
بتاب ای بتاب ای
بتاب ای مه تابان
بتاب ای بتاب ای
بتاب ای مه تابان
بتاب ای مه تابان
بتاب دلم گرفته
بتاب خنده ها رفته
بتاب دلم گرفته
بتاب خنده ها رفته
نمی دونم چی اومد سر دل که اینجوری مرده
بتاب تاریک ساحل
بتاب ساکت این دل
بتاب تاریک ساحل
بتاب تاریک این دل
دیگه خونه سوت و کور
تو باش نوری به منزل
دیگه خونه سوت و کور
تو باش نوری به منزل
بتاب ای بتاب ای
بتاب ای مه تابان
بتاب ای بتاب ای
بتاب ای مه تابان
بتاب دلم گرفته
بتاب خنده ها رفته
بتاب دلم گرفته
بتاب خنده ها رفته
نمی دونم چی اومد سر دل که اینجوری مرده
بتاب تاریک ساحل
بتاب ساکت این دل
بتاب تاریک ساحل
بتاب ساکت این دل
دیگه خونه سوت و کور
تو باش نوری به منزل
آره بتاب ای بتاب ای
بتاب ای مه تابان
بتاب ای بتاب ای
بتاب ای مه تابان
کجایی مه تابان
کجا می ری شتابون
بمون که شب درازه
واست اوامده يه مهمون
منم مهمونت امشب
نذار دلم برنجه
نمی خوام گنچ عالم
همین نورت يه گنجه
بتاب ای بتاب ای
بتاب ای مه تابان

قصر آبی

می خوام یه قصری بسازم
پنجره هاش آبی باشه
من باشم و تو باشی و
یه شب مهتابی باشه
می خوام یه قصری بسازم
پنجره هاش آبی باشه
من باشم و تو باشی و
یه شب مهتابی باشه
می خوام یه کاری بکنم
شاید بگی دوسم داری
می خوام یه حرفی بزنم
که دیگه تنهام نذاری
می خوام برات از آسمون
یاسای خوشبو بچینم
می خوام شبا عکس تو رو
تو خواب گلها ببینم
می خوام که جادوت بکنم
همیشه پیشم بمونی
از تو کتاب زندگیم
یه حرف رنگی بخونی
امشب می خوام برای تو
یه فال حافظ بگیرم
اگر که خوب در نیومد
به احترامت بمیرم
امشب می خوام تا خود صبح
فقط برات دعا کنم
برای خوشبخت شدنت
خدا خدا خدا
خدا کنم
می خوام تو رو قسم بدم
به جون هر چی عاشقه
به جون هرچی قلب ساده رنگ گل شقایق
که وقتی که من نبودم
بی خبر از اینجا نری
بدون یه خدا حافظی
پر زنی تنها نری
یه موقعی فکر نکنی
دلم واست تنگ نمی شه
فکر نکنی اگه بری
زندگی کم رنگ نمی شه
اگه بری شبا چشم یه لحظه هم خواب ندارن
آسمونای آرزوم یه قطره مهتاب ندارن
راستی دلت میاد بری
بدون من بری سفر
بعدش فراموشم کنی
برات بشم یه رهگذر
اصلا بگو که دوست داری
اینجور دوست داشته باشم؟
اسم تورو مثل گلا
تو گلدونا کاشته باشم؟
می خوام که تا خود صبح
فقط برات دعا کنم
برای خوشبخت شدنت
خدا خدا خدا
خدا کنم

مادر

اون که امید شب تار و سیاهه مادره
اون که پاک و عاری از رنگ گناهه مادره
مادره مادره
اون که تنها توی خونه چشم براهه مادره
اون که مثل اشک چشمها قرص ماهه مادره
مادره مادره

شب تا صبح بیداره تا راحت بخوابن بچه ها
اوج عشق و مهر و عرفان تمام لحظه ها
شادی روحه تموم خنده هاش
اوج ایثار تمام گریه هاش اوج ایثار تمام گریه هاش

من چی بگم از این طلا اون یه نعمت خدا
چی بگم من از این طلا اون یه نعمت خدا
اون که همیشه روش گذاشت قیمتی
بار الها تو نگیر از هیچکی همچین نعمتی
مادر مادر

سوز درون

جمله ی من عاشقم این روزا تکراری شده
یه بهونه واسه ی گذار بیکاری شده
جمله ی من عاشقم این روزا تکراری شده
یه بهونه واسه ی گذار بیکاری شده
عاشقی گم شده و عشق دیگه
اون هویت قدیمو نداره
عاشقی گم شده و عشق دیگه
هویت قدیمو نداره
فکر نکن که عاشقی
یک لحظه خیره شدنه
روز و شب نالیدنه
زود یا دیر خوابیدنه
فکر نکن که عاشقی
یک لحظه خیره شدنه
روز و شب نالیدنه
زود یا دیر خوابیدنه
رنگ و زیبایی ملاک عشق نیست
عاشقی که از رنگ و زیبایی بیاد
اون عشق نیست
رنگ و زیبایی ملاک عشق نیست
عاشقی که از رنگ و زیبایی بیاد
اون عشق نیست
یه نسیم گذرونه
عاشقی سوز درونه
یه نسیم گذرونه
عاشقی سوز درونه
عشق مثله پر پروانه لطیفه
مثله شبنم پر پاکی
مثله دریایی وسیع
سر به زیر و بی دریغ
عاشقی سوز درونه
عشق مثله پر پروانه لطیفه
مثله شبنم پر پاکی
مثله دریایی وسیع
سر به زیر و بی دریغ

خیلیا فکر می کنن
که عاشقی گفتن جمله ی
دوستت دارمه
هر کی رو دیدن که آب و رنگ داره
زود می گن اون خودشه
اون یارمه
خیلیا فکر می کنن
که عاشقی گفتن جمله ی
دوستت دارمه
هر کی رو دیدن که آب و رنگ داره
زود می گن اون خودشه
اون یارمه دلدارمه
نور ماه تارمه

یاد منصفی

صداتم زد صدام تشنه نوندی
صداتم زد صدام تشنه نوندی
خیال کوچن هیچ وقت نمادی
مخواستم پی دلم خانه بسازم
هر چه خانه مساخت
تو پس چه ماندی
خدایا
خدایا هر چه دردن وامه بودن
رخم زردن مته دیریا کیودن
سرم سنگین مته کوه سیاهن
دلم نازک مته یه تاره مودن
خدایا هر چه دردن وامه بودن
آی رخم زردن مته دیریا کیودن
آی سرم سنگین مته کوه سیاهن
آی دلم نازک مته یه تاره مودن
لا لا لا گلم
لا لا لالایی
صداتم زد صدام تشنه نوندی
صداتم زد صدام تشنه نوندی
آی خیال کوچری خدا هیچ وقت نمادی
مخواستم پی دلم خانه بسازم
آی هر چه خانه مساخت
عزیز تو ته چه ماندی

نام آلبوم: گل لاله

گل لاله

لاله لاله گل لاله و مریم همراز و همصدا
با وجود تو گل ناز خونم از غصه ها من جدا

آبت می دم
خاکت می دم
یه شعر ناز واسه خوابت می گم
گلای ناز و نازنین
ای بهترین رو زمین

اشاره

عشق شیرینش مرا فرهاد کرد
او پیامد مرغ دل را از قفس آزاد کرد

او بشد لیلا و ما مجنون روی ماه او
قلب ویران مرا آباد کرد
نام شیرینش تمام تلخی عمرم زدود
قبل از او دنیا ، قبل از او دنیا این چنین برایم زیبا نبود
بعد از او هم زندگی هست ولیکن تلخ تلخ
بعد از او این زندگی دیگر چه سود

با نظاره با اشاره
به تو میگم که دلم عشق تو داره
می ترسم ندونی و پیمونه عمر منم دووم نیاره

می ترسم نخونی آخر حرف ناتموم چشمم
شاید هم نداری باور گرمی حرف و نفسهام
می ترسم فکر کنی عشقم هوس همه اش سرابه
عشق که توش خدا نباشه قصری اما خرابه

می ترسم قصه این دل بشه افسانه دوران
نذار تا ابد بمونم تک و تنها توی زندان
می ترسم صدای قلم نرسه به گوش قلبت
بشم آواره به شهرها باز نگی آخر تو حرفت

آواز خون

یک وقت و روزگاری
آوازه خونی می خوند
صداش تو قلب مردم
لحظه به لحظه می موند
از عشق و از صداقت از عالم رفاقت
از خوبی و از احساس
از لاله و گل پاس
می خوند برای مردم از عشق و مهریونی
قصه می گفت به اونا از عشق آسمونی
می خوند و دلخوشم بود از خوندنش به مردم
نداشتنش بخونه بمونه پیش مردم
نمی خواستن بمونه حسودای زمونه
چه تهمت ها که گفتن تا که اصلا نخونه
نمی خواستن که باشه
بمونه تا همیشه
بمونه تا دوباره کنده بشه از ریشه

اما خدا باهش بود
شاهد قصه هاش بود
اومد و در پناهش
آوازه خون بزم خوند
خدا می خواست که باشه
بخونه و بمونه
حسود روسپاه کرد
اون نه خود زمونه

گل شکسته ساقه

ای گل شکسته ساقه
گلی که تنها تو باغ
ناز تنهایی خود گو
نکنه آفتاب داغ
نکنه می لرزی از درد
یا می لرزی از سوز سرد
باغبونت کجا رفته

چرا رفت و تو رو ول کرد

گل زیبا چرا خوابی
یا که در حسرت آبی
مثل یک ماهی که مونده جدا از دریای آبی
رنگت ای گل چرا زرده
کی تورو اینجوری کرده
آفتاب رو هیچ نمی بینی
ابر تیره شده پرده

دیگه حتی یه گل هم نیست
دیگه یاس و سنبل هم نیست
دیگه آفتاب نمی تابه
دیگه حتی بلبل هم نیست

نکنه یه وقت بمیری
روتو از ما برنگیری
دوست داری بری از اینجا
اما نه تو خاک اسیری
اما من میخوام نوازم
دوست دارم باغ بسازم
سبزی رو برات بیارم
اینجا رو از نو بسازم
باد و همراه ابرها
رودها و جویبارها
من فقط به خاطر تو
زندگی میارم اینجا

هنوز اندر پی اونم

هنوزم در پی اونم
که میشه عاشقش باشم
مث دریای من باشه
منم چون قایقش باشم

هنوزم در پی اونم
که میشه عاشقش باشم
مث دریای من باشه
منم چون قایقش باشم

هنوزم در پی اونم
که عمری مرحمم باشه
شریک خنده و شادی
رفیق ماتمم باشه

هنوزم در پی اونم
که عشقش سادگی باشه
نگاهای پر از مهرش
پناه خستگی باشه

میگن جوینده یابندس
ولی پاهای من خستس
منم تا با همین پاها میرم
تا حدی که جا هست

هنوزم در پی اونم
که اشکامو روی گونم
با اون دستای پر مهرش
کنه پاک و بگه جونم
بگه جونم

نکن گریه منم اینجام
بزار دستاتو تو دستام
تو احساس منو میخوای
منم ای وای تو رو میخوام

هنوزم در پی اونم
که اشکامو روی گونم
با اون دستای پر مهرش
کنه پاک و بگه جونم
بگه جونم
نکن گریه منم اینجام
بزار دستاتو تو دستام
تو احساس منو میخوای
منم ای وای تو رو میخوام

خدایا عشق من پاکه
درسته عشقی از خاکه
منم اون عاشق خاکی
که از عشق تو دل چاکه

هنوزم در پی اونم
که اشکامو روی گونم
با اون دستای پر مهرش
کنه پاک و
کنه پاک و بگه جونم
بگه جونم
نکن گریه منم اینجام
بزار دستاتو تو دستام
تو احساس منو میخوای
منم ای وای تو رو میخوام

هنوزم در پی اونم
که اشکامو روی گونم
با اون دستای پر مهرش
کنه پاک و بگه جونم
بگه جونم
نکن گریه منم اینجام
بزار دستاتو تو دستام
تو احساس منو میخوای
منم ای وای تو رو میخوام

هنوزم در پی اونم
که اشکامو روی گونم
با اون دستای پر مهرش
کنه پاک و بگه جونم
بگه جونم
نکن گریه منم اینجام
بزار دستاتو تو دستام
تو احساس منو میخوای
منم ای وای تو رو میخوام

که مونده

خودم اینور دنیا دلم اونور دنیا
تنم روی زمین و دلم رو بال ابرها

کی میدونه دلم سوخته تنم خاکستری شد
کی مونده از اندوختن تنم باز بستری شد
فقط اون صاحب دل
گرفت دستم تو ساحل

گرفت و گفت نخور غصه که این دنیا دو روزه
نذار تو شعله های غم دل نازت بسوزه

کی میدونه دلم سوخته تنم خاکستری شد
کی مونده از اندوحش تنم باز بستری شد
کی مونه تا فردا
کی مونده بجز ما
چه دردهایی کشیدم تو بهت کاش و اما

خودم اینور دنیا دلم اونور دنیا
تنم روی زمین و دلم رو بال ابرها

الهی الهی
دل هیچ بنده و کس
نگیره ، نسوزه نباشه خار و بی کس
نمونن بندگان تو کار زار دنیا
منور کن دلاشون
ببینن راه فردا

خودم اینور دنیا دلم اونور دنیا
تنم روی زمین و دلم رو بال ابرها

نفس

نمی توئم نمی توئم خنده کنم
دلم رو از خوشی ها آکنده کنم
آخه تنهام آخه تنهام
یه آشنا سنگ صبور یه کس می خوام
دیگه دارم خفه می شم نفس می خوام
آخه تنهام آخه تنهام

توی دل صحرا تو عمق دریا پی تو می گشتم و ندیدمت
توی خط کتاب و توی تب تاب پی تو می گشتم و ندیدمت
تا اینکه دونستم دنبال تو باید با چشمای دل می گشتم
آخه تو خدا جون ساحل امید من و برای ساحل می گشتم

آره تو دیگه دونستم
تو کس نیستی
نفس نیستی
نه هوس نیستی
همه جا هستی و هیجا نیستی

رمز امیدی
صبح سپیدی
عشق و نویدی خداجون
زندونی دردم فقط تویی ای تو
کلید قفل این زندون

صدای بارون و بهار

صدای بارون و بهار
صدای قلب بیقرار
شکوه یاس و نسترن
سبزه و گل ، برگ و سه تار
صدای من صدای تو صدای ما می ره آسمون
می گه به من می گه به تو
بهار اومد پاشو مهریون

صدای قدم های بهار میاد از کوچه ها
صدای خنده مردم می شکفه تو خونه ها
قهقهه بلبل سرمست چمن سرمی زنه
جیک جیک ناز لطیف بچه ها تو لونه ها

سهراب

گر گرفتم عاقبت از آتشت ای نازنین
تا به کی در حسرت دیدار تو شیرین ترین
تا به کی در حسرت دیدار تو مانم بگو
پس چرا حرفت نگویی ای عزیز ما

من کجا و تو کجا
من صدا و تو خدا
با توام درد آشنا
بر غریبی آشنا

یاد آن شاعر فرزانه که گفت
عاشقی یعنی دچار
فکر کنم فکر کنم فکر کنم شدم دچار
به سراغ من اگر می آیی
نرم و آهسته بیا
مبادا مبادا ترک بردارد چینی نازک تنهایی من

نام آلبوم: پیرهن مشکی



مشکی

مشکی رنگ عشقه مثل رنگ چشای مهربونت
مشکی رنگ عشقه مثل شبای قلب آسمونت
کی میگه رنگ غم سیاه رنگ خوش سپیدی
کی میگه آبی رنگ صداقت مشکیه رنگ پلیدی
چرا به عده ای مشکیو رنگ غم میدونن
مگه رنگ پر پرستوی عشقو ندیدن
مگه رنگ پر پرستوی عشقو ندیدن
ستاره با فشنگیاش تو رنگ شب قشنگه
تموم رنگای دنیا دو رنگن مشکی تا ابد به رنگه
واسه نوشتن به رنگیه دفتر عاشق
خط به رنگو بی دغدغه مشکی قشنگه
خط به رنگو بی دغدغه مشکی قشنگه

مشکی رنگ عشقه مثل رنگ چشای مهربونت
مشکی رنگ عشقه مثل شبای قلب آسمونت

من تو رنگ موهایی سیاه نازنینم
چیزی به جز به رنگی و صفا و دل ندیدم
از زیون عاشقای بیدار شبونه

هیچ پلیدی از سیاهی شب نشنیدم

کي ميگه رنگ غم سياه رنگ خوش سپيدي
کي ميگه آبي رنگ صداقت مشکيه رنگ پلیدی
چرا يه عده اي مشکیو رنگ غم میدونن
مگه رنگ پر پرستوي عشقو ندیدن
مگه رنگ پر پرستوي عشقو ندیدن
ستاره با فشنگیاش تو رنگ شب فشنگه
تموم رنگاي دنیا دو رنگن مشکي تا ابد يه رنگه
واسه نوشتن يه رنگيه دفتر عاشق
خط يه رنگو بي دغدغه مشکي فشنگه
خط يه رنگو بي دغدغه مشکي فشنگه

مشکي رنگ عشقه مثل رنگ چشاي مهربونت
مشکي رنگ عشقه مثل شباي قلب آسمونت

مشکي رنگ عشقه مشکي خود عشقه

آشنا

تو با مني هرجا برم مهر تو بند جونمه
عشقت نمیره از سرم تو پوست و استخونمه
يکدم اگه نبینمت يه دنیا دلتنگت ميشم
نگاه دریايي تو آبيه روی آتیشم

واست دلم واست تنم , واست تمام زندگيم
از تو دوباره من شدم با تو تموم شد خستگيم

نم نم بارون چشام گواه عشق پاکمه
همنفس قسمت من دوست دارم يه عالمه
فشنگ ترين خاطره هام با تو و از تو گفته
آرامش وجود من صداي تو شنفته

تو با مني هرجا برم مهر تو بند جونمه
عشقت نمیره از سرم تو پوست و استخونمه
يکدم اگه نبینمت يه دنیا دلتنگت ميشم
نگاه دریايي تو آبيه روی آتیشم

واست دلم واست تنم , واست تمام زندگيم
از تو دوباره من شدم با تو تموم شد خستگيم

خونه

خانمان خشت گلی
سقف چوب و چندلی
گاوزیمان دلی دلی
دلماں که گلگلی
خدایا تا کجا چشمام به راهه وای خدا دید شب و روزم سیاهه
خودت کردی به جانم آتشی که عزیزم تمام خندهام تو خواب چیدم
خانمان آباد عشقه
تکه ای از سرنوشته
مثل یک جاده عمره
توی قلبمان نوشته خانه خانه خانه
چیکه چیکه وقت باران
روی سکو توی دالان
میون حیاط سینه شاخ و برگان کناران خانه خانه خانه
خانمان خشت گلی
سقف چوب و چندلی

گازيمان دلى دلى
دلماڼ كه گلگلى
همه جاش بوى خدامان
بى صدا و همصدامان
روى خاكان قديمى
مثل چشمى نه نگامان
با يه حوضى پر ماهى
با يه باغچه پر سبزی
با يه دنيا خاطراتش
با يك خنده توى گاوزى خانه خانه خانه
خانمان خشت گلى سقف چوب و چندلى گاوزيمان دلى دلى دلماڼ كه گلگلى

به درک

طلسم رو بايد بشکنيم ما هم بشيم مثل همه
حالا كه بي وفاييه ما بي وفاتر از همه
هيچكسي غير از خود ما به داد ما نميرسه
عاشقيا رو هم ديديم به هوس يه بار بسه
عاشقي تو دوره ما والا سرو ته نداره
چيز به اين بي ارزشي چه چه و به به نداره
كوير خشك دلمون ديگه زده هزار ترك
غم ديگه بسه نازنين هركي نموندش به درك

چاكر هرچي بامرام , مخلص هرچي با وفا
در به درو هلاك يك همدم پاك و با صفا
خلاصه اينكه نازنين گذشته هارو بي خيال
پرواز رو عشق با وفا حتي بدون پرو بال

عاشقي تو دوره ما والا سرو ته نداره
چيز به اين بي ارزشي چه چه و به به نداره
كوير خشك دلمون ديگه زده هزار ترك
غم ديگه بسه نازنين هركي نموندش به درك

طلسم رو بايد بشکنيم ما هم بشيم مثل همه
حالا كه بي وفاييه ما بي وفاتر از همه
هيچكسي غير از خود ما به داد ما نميرسه
عاشقيا رو هم ديديم به هوس يه بار بسه
عاشقي تو دوره ما والا سرو ته نداره
چيز به اين بي ارزشي چه چه و به به نداره
كوير خشك دلمون ديگه زده هزار ترك
غم ديگه بسه نازنين هركي نموندش

ساغر

ساغر مستيه من , همه هستيه من
مثل يك كبوتر عشقى نشستي دل من
همه بود و نبود , بهترين شعر و سرود
تو عزيزي واسه كوير قليم مثل رود
تو عزيزي واسه كوير قليم مثل رود

شب و روزم ساز و سوزم , خط به خط غزل غزل
تورو خوندن با تو موندن , دل به دل بغل بغل
تو به شيواييه عشقي , نه زلالی نگاه
همسفر با من ديوونه تا انتهاي راه

ساغر مستيه من , همه هستيه من
مثل يك كبوتر عشق كه نشستي دل من
همه بود و نبود , بهترين شعر و سرود

تو عزيزي واسه کویر قلبم مثل رود
تو عزيزي واسه کویر قلبم مثل رود

آرزو

وقتي که نگاهم به نگاهت خیره میشه
دوست دارم زمان بایسته واسه همیشه
چشمامون ببندیم , بریم تا ته رویا
اونجایی که هیچوقت گلی پ+مرده نمیشه
هرچی غم داری از دل نازکت بگیرم
اگه اشک از چشات جاری بشه برات بمیرم
سر رو شونه هام بذاری و برات بخونم
یاد تو و اسم تو باشه ورد زبونم ... مهربونم

آرزوم بی تو محاله , لحظه هام بی تو سوال
بی تو مقصد خیلی دور , راه عشقم بی عبور
من نمیخوام تو خیالم بگمت عاشقت هستم
دوست دارم که راستی راستی حس کنم تورو تو دستم

وقتي که نگاهم به نگاهت خیره میشه
دوست دارم زمان بایسته واسه همیشه
چشمامون ببندیم , بریم تا ته رویا
اونجایی که هیچوقت گلی پ+مرده نمیشه
هرچی غم داری از دل نازکت بگیرم
اگه اشک از چشات جاری بشه برات بمیرم
سر رو شونه هام بذاری و برات بخونم
یاد تو و اسم تو باشه ورد زبونم ... مهربونم

خنده زورکی

نگاه خسته به درهای بسته
کشتی دلها به گل نشسته
هوا چه دلگیر دلا گرفته
دل نگرونی هفت روز هفته
دفتر پیر صدای خستم
دیگه پوسیده تو شب اسیره
دل که یه عمری پر از صفا بود
بس شده زخمی داره میمیره
نفس نمونده واسه ادامه
تنها رفیقم این سایه هامه
دیگه بریدم خسته و پیرم
دروغ و حرفام تو خنده هامه

خنده های زورکی , اشکای یواشکی
شب و روزی بی هدف , لحظه های الکی
ساعتهای پر سوال , دل خوشیها تو خیال
حسرت پرنده ی دل که نداره پرو بال

این دو روز زندگی , طی شده تو کهنگی
میدونم دیگه بریدی تو هوای خستگی
میدونم خسته شدی , مرغ پر بسته شدی
میدونم طاقت نداری واسه سوز تشنگی

دل خوشیها یه لحظه , به خندش نمی ارزه
از همه کس طلبکار , یه دنیا زیر قرصه
نه خط خطی نه ساده , مسافر گم و گیج
یه جاده سخت و دشوار به مقصد تو ره هیچ

هوای تازه میخوای ، نگاه بی بهونه
خود خود صداقت ، جواب عاشقونه
یه حرف راستی راستی ، از ته دل میخواستی
اون که بسازه از نو ، تورو با همه کاستی

یک شب بارونی بسه ، برای از نو ، تر شدن
یک گل شمعدونی بسه ، برای عاشق تر شدن

یک شب بارونی بسه ، برای از نو ، تر شدن
یک گل شمعدونی بسه ، برای عاشق تر شدن

همبازی

پنجره چشمای تو وقتی به چشمام وا میشه
نمیدونی توی وجودم که چه غوغایی میشه
لحظه ای که تو با منی آتیش به جونم میزنی
گر میگیره جون و تنم وقتی که میگی با منی

نه میتونم بگم برو ، نه میتونم بگم بمون
آخه من اینجا رو زمین ، تو اونجا اوج آسمون
بیشتری از یه آرزو ، فراتر از یه خواستنی
عشق تو ، تو خون منه ، یه عشق نا گسستنی

وقتی که چشمت خیس شدن ، طهارت عشقو دیدم
زمزه های قلبتو ، با گوشای دل شنیدم
یه سایه پا به پای من ، به خوب و بد راضی شدی
با من دیوونه ترین ، چه ساده هم بازی شدی

نه میتونم بگم برو ، نه میتونم بگم بمون
آخه من اینجا رو زمین ، تو اونجا اوج آسمون

نه میتونم بگم برو ، نه میتونم بگم بمون
آخه من اینجا رو زمین ، تو اونجا اوج آسمون

چشم چشم دو ابرو

چشم چشم دو ابرو دماغ و دهن یه گردو
حالا بذار دو تا گوش ، موهاش نشه فراموش
چوب چوب یه گردن ، اینم یه گردی تن
پا پا انگشت پا ، دست دست انگشت دست

چشم چشم دو ابرو، دو ابروی کمونی
چشم چشم دو ابرو، دو چشم آسمونی
چشم چشم دو ابرو، چشمای خیس هر شب
من تو یه فریاد ، اسم تو عمری بر لب

دست دست دو تا دست ، دو دست عاشقانه
دو دست پاک و پر مهر ، دو حس صادقانه
پا پا دو تا پا ، دو پای سخت همراه
همراهی قرص و محکم حتی تا خونه ما

قلب قلب دو تا قلب ، دو قلب قفل در هم
دو قلب مست عاشق ، عشقی فرا از عالم
جسم جسم دو تا جسم ، دو جسم اما با یه روح
یه روح آسمونی بلند چو قله کوه

عشق ، عشق چه زیباست ، الهی جون بگیری
هر کسی سد عشق شد دعا کنیم بمیره

فراموش

داشتم فراموش می کردم اما باز دوباره دیدمت
تو غمها غوطه ور شدم چرا ؟
داشتم فراموش می کردم اما تا صدات رسید به گوش من
شکستم بی صدا چرا ؟
داشتی میرفتی از خیال من ، خزونی بود بهار من
دیدم تورو خزونم جون گرفت
این قلب سرد و ساکت دوباره
با نگاه گرم و بی ریا و عاشقت زبون گرفت

چرا دوباره اومدی صدا رو ، جون دادی گل بهارو
زخم دل دوباره تازه شد
شوق نگاه خستمو دوباره ، دوختی آخر ستاره
حصرتم بی اندازه شد
یا راحت کن و واسه همیشه ، این دلو بکن ز ریشه
از خیال سرد من برو
یا باغبون شو و بهارو ، باز نشون بده گلارو
تو وجود خسته ام برو

چرا دوباره اومدی صدا رو ، جون دادی گل بهارو
زخم دل دوباره تازه شد
شوق نگاه خستمو دوباره ، دوختی آخر ستاره
حصرتم بی اندازه شد
یا راحت کن و واسه همیشه ، این دلو بکن ز ریشه
از خیال سرد من برو
یا باغبون شو و بهارو ، باز نشون بده گلارو
تو وجود خسته ام برو

داشتم فراموش می کردم اما باز دوباره دیدمت
تو غمها غوطه ور شدم چرا ؟
داشتم فراموش می کردم اما تا صدات رسید به گوش من
شکستم بی صدا چرا ؟
داشتی میرفتی از خیال من ، خزونی بود بهار من
دیدم تورو خزونم جون گرفت
این قلب سرد و ساکت دوباره
با نگاه گرم و بی ریا و عاشقت زبون گرفت

دیوانه زنجیری

دیوانه زنجیری ای چه با خود درگیری
او مال تونه نه بس بوده یک کس دیگه
ای ساده بیچاره دنیا بازی بازاره
او هم یکی از بازیانه تلخ زمانه

دیوانه زنجیری ای چه با خود درگیری
او مال تونه نه بس بوده یک کس دیگه
ای ساده بیچاره دنیا بازی بازاره
او هم یکی از بازیانه تلخ زمانه
او هم یکی از بازیانه تلخ زمانه

دیوانه زنجیری دیوانه دگر پیری
دیوانه زنجیری دیوانه دگر پیری
دنبال یه یار دگه باش تو این همه یار
داد بز من با یاری یک دلبر و غمخواری
داد بز من با یاری یک دلبر و غمخواری

یک مرحم گرم و مطمئن به این دل بیمار

حالا یه همسفر مباته پای صفر مباته
همسفر مباته پای سفر مباته
دستان پاک و مهری بیکش مال ترمباته
همسفر مباته پای سفر مباته
همسفر مباته پای سفر

زنده باد عشق زنده باد هر چی جوان عاشقه
زنده باد عشق زنده باد هر چی گل شقایقه
زنده باد عشق زنده باد عشقی که پروانه تکاند
زنده باد عشق عشقی که عاشق و دیوانه تکاند

بین ما که عاشقه کشته شقایق
بین ما که عاشقه کشته شقایق
این سوال و مزحمه بین ما که عاشقه؟

زنده عاشقیم که مرد خطر
مرد مردانگی اهل سفر
عاشق آنه که تو سختی جا نزد
توی بی کسی خدا صدا برد

زنده عاشقیم که مرد خطر
مرد مردانگی اهل سفر
عاشق آنه که تو سختی جا نزد
توی بی کسی خدا صدا برد

زنده باد عشق زنده باد هر چی جوون عاشقه
زنده باد عشق زنده باد هر چی گل شقایقه
زنده باد عشق زنده باد عشقی که پروانه تکاند
زنده باد عشق عشقی مه عاشق و دیوونه تکاند

بین ما که عاشقه کشته شقایقه
بین ما که عاشقه کشته شقایقه
این سوال و مزحمه بین ما که عاشقه؟

شاکی

هرکیو میبینی یه جورِ شاکیه
دنیا رو بیخیال بابا کی به کیه
بی خودی غم نخور , خودت رو گیر نده
عمرتو دست لحظه های گیر نده

عمر دو روزه , نذار بسوزه
یه کاری نکن دلت چشمشو به در بدوزه
گریه رو بس کن , حالو روتو عوض کن
اسب سیاه قُصتو تازه نفس کن

تا وقتی نبض قلبتو میخونه آواز
بدون که میشه هر تمومی بشه آغاز
هر روز که از خواب پا میشیم یه روز تازست
دنیا رو خوب دیدن , یه کار خیلی سادست

نگی دیگه نمیشه , نگو زده به ریشه
واسه ساختن از نو فرصتی هست همیشه
نگو از ما گذشته , نگو راهی نمونده
نگو برای راه تاریکم ماهی نمونده

هرکيو ميبيني په جوري شا کيږه
دنيا رو بېخيال بابا کي به کيږه
بي خودي غم نخور , خودت رو گيرنده
عمرتو دست لحظه هاي گيرنده

حس زندگي

جون ميکنيم تو زندگي , حس ميکنيم که زنده ايم
جوونيه رو باختيمو , فکر ميکنيم برنده ايم
نشون ميديم که کوهيمو , هيچکي حريفمون نشد
کوه شدن اختياري نيست , زندگي مهربون نشد
تا يک شکسته ميبينيم , واسش چه اشکا روونه
خودمونم خوب ميدونيم , که از دل تنگمونه
هي ميشکنيم ميسوزونيم , اصلا مهم نيست واسمون
اما تا مارو ميشکنن , ميناليم از دست زمون

ظاهر کارم که شده , قهقهه مون به آسمون
کلي برو بيا داريم , اما چقدر بي همزيون
گول ميزنيم خودمونو , به ابو رنگ زندگي
عاشقپرو ميخوايم ولي , براي رفع خستگي
به سادگي دل ميديم , به سادگي دل ميکنيم
واسه په لحظه دلخوشي , به هر دري در ميزنيم
روز و شبامون ميگذره , بي خبر از دل پير شده
يادش بخير جووني رو , وقتي ميگيم که دير شده

با همه اون برد و باخت , بايد که از نو زد و ساخت
بايد با رويا آشتي کرد , بايد که عشق رو خوب شناخت
جمله دوست دارمو بايد به جاش گفت و شنيد
دارو باشيم نه داروغه , بايد به آيينه رسيد
جمله دوست دارمو بايد به جاش گفت و شنيد
دارو باشيم نه داروغه , بايد به آيينه رسيد

و اين گونه بود که سپاه پوش شهر سپيد دلان
مشکي را رنگ عشق و عشق را رنگ زندگي دانست
باشد که , باشد که دارو باشيم نه داروغه
انسان که مشکي پوش

دریچه

ترانه سرا : مهدی اخوان ثالث

ما چون دو دریچه روبروي هم
آگاه ز هر بگو مگوي هم
هر روز سلام و پرسش و خنده
هر روز قرار روز آینده

عمر آيينه بهشت اما آه
بیش از شب و روز تیر و دي کوتاه

اکنون دل من شکسته و خستست

زیرا یکی از دریچه ها بستست
نه مهر فسون نه ماه جادو کرد
نفرین به سفر که هرچه کرد او کرد
نفرین به سفر که هرچه کرد او کرد

ما چون دو دریچه روبروی هم
آگاه ز هر بگو مگوی هم
هر روز سلام و پرسش و خنده
هر روز قرار روز آینده

نام آلبوم: مستانه و دیوانه

به تو می اندیشم

نه به فردایی پر از خاطره می اندیشم
نه به دنیایی پر از حادثه می اندیشم
نه به خویش و نه به عالم و نه به پاییز و بهار
نه به امواج پر از آینه می اندیشم
نه به فردایی پر از حادثه می اندیشم
نه به دنیایی پر از خاطره می اندیشم
نه به خویش و نه به عالم و نه به پاییز و بهار
نه به امواج پر از آینه می اندیشم
نه به این بار گران نه به این آب روان
نه به این و نه به آن به تو می اندیشم
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمینت
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمینت
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
با تو عاشقم همیشه
تویی برگ و تویی ریشه
با تو عاشقم همیشه
تویی برگ و تویی ریشه
کرده این ساده ی عاشق
تو تنم عشق تو ریشه
کرده این ساده ی عاشق
تو تنم عشق تو ریشه
زندگی بی تو نمیشه
با منی تو تا همیشه
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمینت
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمینت
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمینت
نه به جان و نه به این تن
به تو اندیشم گل من
نه به تخت و نه به زینت
دل نیستم بر زمینت
نه به جان و نه به این تن

به تو اندیشم گل من
با تو عاشقم همیشه
تویی برگ و تویی ریشه
کرده این ساده ی عاشق
تو تنم عشق تو ریشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه
زندگی بی تو همیشه
با منی تو تا همیشه.....

بارون دانه دانه

بارون دانه دانه
سر اژدن رو خانه
فصل بهار نزدیکه
گلی زده جوانه
بندر و خاک پاکش
مردم سینه چاکش
مهریونی فراوان
کوه گنو کنارش
باران دانه دانه
سر اژدن رو خانه
فصل بهار نزدیکه
گلی زده جوانه
بندر و خاک پاکش
مردم سینه چاکش
مهریونی فراوان
کوه گنو کنارش
موا بگم بندر ما یه تکه از بهشته
ای گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته
موا بگم بندر ما یه تکه از بهشته
ای گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته
بندر خویم
در جنوبم
بی تو مو هیچم
حبابو وجودم
طلایه دار
هر چی صفایی
هدیه پاکي
از آن خدایی
هدیه پاکي
از آن خدایی
موا بگم بندر ما یه تکه از بهشته
ای گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته
موا بگم بندر ما یه تکه از بهشته
ای گپ مناگم به خدا رو خاکمون نوشته

عشق شما

من و عشق شما
من و دست دعا
منم و يك دل غمگين و بار سنگين و غم فردا
من و عشق شما
من و دست دعا
منم و يك دل غمگين و بار سنگين و غم فردا

منم و يك دل بيقرار تن
منم و يك فصل بهار بي رنگ
منم و دنيايي بي صدا
انتظاري پر بها كه دلش خونه
منم و چند قاب عزيز سهراب
منم و لحظه هاي غريب و بي تاب
منم اون آوازه خون شهرم
كه تك و تنها با تو مي خونه
منم و يك دل بيقرار تن
منم و يك فصل بهار بي رنگ
منم و دنيايي بي صدا
انتظاري پر بها كه دلش خونه
منم و چند قاب عزيز سهراب
منم و لحظه هاي غريب و بي تاب
منم اون آوازه خون شهرم
كه تك و تنها با تو مي خونه
من و عشق شما
من و دست دعا
منم و يك دل غمگين و بار سنگين و غم فردا
منم و يك دل بيقرار تن
منم و يك فصل بهار بي رنگ
منم و دنيايي بي صدا
انتظاري پر بها كه دلش خونه
منم و چند قاب عزيز سهراب
منم و لحظه هاي غريب و بي تاب
منم اون آوازه خون شهرم
كه تك و تنها با تو مي خونه

قلندر

اوني كه به عمر ايستاده منم
اوني كه واسه ي تو چون داده منم
اوني كه ميگرده و مي خونه
واسه مردم تو غمش شاده منم
اوني كه قلندر شهره و كارش به كسي نيست
توي اين شهر به اين بزرگي يك هم نفسي نيست
اوني كه نديده جز تو ياور و هم دم و مونس
جز تو اي خدای خويم تو وجود من كسي نيست
جز تو اي خدای خويم تو وجود من كسي نيست
اوني كه هميشه هم راز دلم بود تويي
اوني كه فقط دلم پيش تو آسود تويي
اوني كه بخاطرت با همه جنگيد منم
اوني كه واسه ي تو از همه ستم ديد منم
اوني كه واسه ي تو از همه ستم ديد منم
اوني كه هميشه هم راز دلم بود تويي
اوني كه فقط دلم پيش تو آسود تويي
اوني كه بخاطرت با همه جنگيد منم
اوني كه واسه ي تو از همه ستم ديد منم
اوني كه واسه ي تو از همه ستم ديد منم

اوني كه قلندر شهره و كارش به كسي نيست
توي اين شهر به اين بزرگي يك هم نفسي نيست

اوني که ندیده جز تو یاور و هم دم و مونس
جز تو ای خدای خویم تو وجود من کسی نیست
جز تو ای خدای خویم تو وجود من کسی نیست
اوني که یه عمر ایستاده منم
اوني که واسه ی تو جون داده منم
اوني که میگرده و می خونه
واسه مردم تو غمش شاده منم

مستانه و دیوانه

مستانه و دیوانه بسویت
بدوم خانه به خانه
زد غنچه جوانه
یارا تو نشان ده
اثری یا که نشانه
عاشق شده ام بی خودم از خود
به فدایت سر و جانم
بکنم یاد تو جانم
شده این عشق تمنای روانم
شده این عشق تمنای روانم
مستانه و دیوانه بسویت
بدوم خانه به خانه
زد غنچه جوانه
یارا تونشان ده
اثری یا که نشانه
عاشق شده ام بی خودم از خود
به فدایت سر و جانم
بکنم یاد تو جانم
شده این عشق تمنای روانم
در حسرت دیدار تو دستان نیازم
ای رمز نیازم
یارا بنما یک نظری سویی نیازم
من غرق نیازم
در حسرت دیدار تو دستان نیازم
ای رمز نیازم
یارا بنما یک نظری سویی نیازم
من غرق نیازم
من مست وصال تو شدم
عاشق و پروانه شدم
سائل آواره شدم
در طلبت ای گل زیبا
دردانه ی دیبا
من مست وصال تو شدم
عاشق و پروانه شدم
سائل آواره شدم
در طلبت ای گل زیبا
دردانه ی دیبا
مستانه و دیوانه بسویت
بدوم خانه به خانه
زد غنچه جوانه
یارا تونشان ده
اثری یا که نشانه
زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست
در همه حال هرچه گوید جای هیچ تکرار نیست
بر در می خانه رفتم
کار یک رنگان بود
خود فروشان را به کوی می فروشان راه نیست
در حسرت دیدار تو دستان نیازم
ای رمز نیازم
یارا بنما یک نظری سویی نیازم

من غرق نیازم
من مست وصال تو شدم
عاشق و پروانه شدم
سائل آواره شدم
در طلبت ای گل زیبا
دردانه ی دیبا
ای گل زیبا
دردانه ی دیبا

کلبه

یه کلبه دور از همه کس
واسه من و تو واسه ما
یه جایی دنج و خلوتی
یه جایی دور از آدما
یه باغچه از گلای رز
بارون پشت پنجره
آتیش و چای تازه دم
رفتم تا اوج خاطره
من و تو و صدای باد
یه زندگی شاد شاد
بهت بگم دوستم داری
بهم بگی خیلی زیاد
مرغ و خروس و مزرعه
یه زندگی سبز و پاک
شیرین ترین روزای عمر
باشیم به هم دیگه حلال
مهمونمون باشند گلا
قناریا و بل بلا
همسایه هامون سبزه ها
اقاقیا و سمبلا
صاب خونمون خدای خوب
اون که همیشه یاور
حلال زندگی اش
هر کی که از اون غافله
خدای من تو میدونی
دلَم به تو بسته شده
خودت میدونی که دلم
از زندگی خسته شده
مدد کن ای خدای خوب
این همه خواب به آب نشه
آرزو های شیرینم
به تلخی سراب نشه
ممد کن ای خدای خوب
این همه خواب به آب نشه
آرزو های شیرینم
به تلخی سراب نشه
مهمونمون باشند گلا
قناریا و بل بلا
همسایه هامون سبزه ها
اقاقیا و سمبلا
صاب خونمون خدای خوب
اون که همیشه یاور
حلال زندگی اش
هر کی که از اون غافله.....

عاشق بچگی

باروون دونه دونه دونه روي خونه
بلبل خونمون آواز مي خونه
مادرم گوشه اي با گلدون گل
پدر و حافظ و صدای بلبل

عشقای بچگی
حرفای سادگی
قصر و اسب طلا
تو عالم خواب
قصه ي دیو بد
عاشقی صد سبد
بازی و آبتنی
تو برکه ي آب

آسمون آبی میشه
اما گل خورشید
از شاخه های بید
بالا نمیره
روزی بچگیمون
یادم میاد که ای داد
داره میره از یاد
خاطره میشه
تو که دست تگون میدی
به ستاره جون میدی
وقتی که یادم میاد
به دلم باز غم میاد
چه روز ساده بی بود

دیگه اون روزای شاد
رفته و باز نمیداد
عالم بچگی بدرود...

بدون تو تنهام

بدون تو تنهام
از عشق تو رسوام
از عشقت دل شادم
برد از چشمم خوابم
بردی از من جانم تو
از اولین دیدار...ار...

بر بادم کن آزادم
در راهت دلم دادم
یارم باشو با من باش
و با من کن ای آشنا یادم
دستم گیر از این زنجیر دنیايم رها سازم
یاری ده برای عشق از آهنگ تو بنوازم

نفس

نمی تونم نمی تونم خنده کنم
دلم رو از خوشی ها آکنده کنم

آخه تنهام آخه تنهام
یه آشنا سنگ صبور یه کس می خوام
دیگه دارم خفه میشم نفس میخوام
آخه تن هام آخه تنهام
توی دل صحرا ... تو عمق دریا ... پی تو می گشتمو ندیدمت
تو خط کتابت ... توی تپو تابا ... پی تو می گشتمو ندیدمت
تااین که دونستم دنباله تو باید با چشمای دل میگشتم
راه تو خدا جون ساحل امید منه و من دنباله یه ساحل میگشتم
آره دیگه دونستم که تو کس نیستی
نفس نیستی
نه هوس نیستی
همه جا هستی و هیچ جا نیستی
آره دیگه دونستم که تو کس نیستی
نفس نیستی
نه هوس نیستی
همه جا هستی و هیچ جا نیستی
رمز امیدی ... صبح سپیدی ... عشقو نویدی خدا جون
زندونی دردم ... فقط تویی تو ... کلید قفل این زندون....

تا تو رو دارم

نمیشه باور من که باز میخونم
این چه احساسی ای رب نمیدونم
تا تو رو دارم خدایا هیچ غمم نیست
توی زندگیم بجز تو هیچ کم نیست

تا تو رو دارم خدایا هیچ غمم نیست
توی زندگیم بجز تو هیچ کم نیست

یکی فاسدم میخونه یکی کافر میدونه
یکی میگه الهی اطلا توی این دنیا نمونه
یکی میگه خراب پادس یکی میگه که خیلی سادس
یکی میگه سوار آهوس اون یکی هم میگه پیادس

یکی فاسدم میخونه یکی کافر میدون
یکی میگه الهی اطلا توی این دنیا نمونه
یکی میگه خراب پادس یکی میگه که خیلی سادس
یکی میگه سوار آهوس اون یکی هم میگه پیادس

تا تو رو دارم خدایا هیچ غمم نیست
توی زندگیم بجز تو هیچ کم نیست

ای خدا عاشق خسته ام دیگه از زندگی خسته ام
من وفادار به اون عهدي که بستم آره هستم
ای خدا تو این زمونه زندگی شده بهونه
شده ام خسته از این حرفها که شد تیشه بچونه

تا تو رو دارم خدایا هیچ غمم نیست
توی زندگیم بجز تو هیچ کم نیست

یکی فاسدم میخونه یکی کافر میدون
یکی میگه الهی اطلا توی این دنیا نمونه
یکی میگه خراب پادس یکی میگه که خیلی سادس
یکی میگه سوار آهوس اون یکی هم میگه پیادس

تا تو رو دارم خدایا هیچ غمم نیست
توی زندگیم بجز تو هیچ کم نیست

نام آلبوم: دلم برات تنگ شده

بیجاره

تو همه چاره ی من همه بیچاره ی تو
تو همه پاره ی تن تن همه آواره ی تو
تو خودت شوق منی شوق منم دیدن تو
شاهد اشک منی مست خندیدن تو
بدیهات به جون من شادیها پیشکش دلت
همیشه شعر و صدام کم میاره تو گفتنت
تو نه ارزون نه کمی به قیمتت جون بزارم
کاش میشد خنده هاتو گوشه ی گلدون بزارم
یک کلام ختم کلام بدجوری داغونم عزیز
یا دو دستامو بگیر یا برگ عمرم رو بریز

کوچه

هنوزم کوچه ی دیدار ما بوی تو داره
نگاهو بوسه های شب رو یاد من میاره
شب میلاد من بودو تو هم بودی دوباره
شبی تاریک اما چشمای تو تک ستاره
تموم دنیا و بزرگیهاش فقط یه کوچه
تموم کوچه و پنجرههاش شاهد ما بود
گرفتم دستاتو گفتی با چشمت عاشق هستی
آخه چشمای ناز تو فقط قاصد ما بود
تن و روح و دل و جونم کلید قفل زندونم
دلت یک عمر که خستست تو چشمت اینو میخونم
مثل ابری مثل بارون واسه کویر خشکیدم
یه دنیا عشق یه دنیا نور توی برق چشات دیدم
نه امروزی نه دیروزی مثل نفس تو هرروزی
مثل شمعی واسه خویی میسازي و میسوزي
غمش با من خوشیش با تو تموم دلخوشیش با تو
هنوزم رو تنم مونده بوی عطر نفس هاتو
هنوزم کوچه ی دیدار ما

دریچه

ما چون دو دریچه روی هم
آگاه ز هر بگو مگوی هم
هر روز سلام و پرسش و خنده
هر روز قرار روز آینده

عمر آینه بهشت اما آه
بیش از شب و روز تیر و دي کوتاه

اکنون دل من شکسته و خستست
زیرا یکی از دریچه ها بستست
نه مهر فسون نه ماه جادو کرد
نفرین به سفر که هرچه کرد او کرد
نفرین به سفر که هرچه کرد او کرد

ما چون دو دریچه رویی هم
آگاه ز هر بگو مگوی هم
هر روز سلام و پرسش و خنده
هر روز قرار روز آینده

پیرهن مشکی

پیرهن مشکیه من از غم نیست
حرفای نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی که عاشق نباشه آدم نیست
پیرهن مشکیه من از غم نیست
حرفای نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی که عاشق نباشه آدم نیست
پیرهن مشکیه من رنگ شبای عشقمه
نه ستیزه نه گریزه نه سقوط و ماتمه
پیرهن مشکیه من صداقت از نوع عشق
تنها پرچم مقدس دولت عشق
پیرهن مشکیه من رنگ شبای عشقمه
نه ستیزه نه گریزه نه سقوط و ماتمه
پیرهن مشکیه من صداقت از نوع عشق
تنها پرچم مقدس دولت عشق
تنها رنگیه تو دنیا که تکه تا نداره
شپامون بدون رنگ مشکی معنا نداره
مشکی رنگ عشقه اینو قبلانم گفته بودم
میدونم خوب میدونین که مشکی همتا نداره
پیرهن مشکیه من از غم نیست
حرفای نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی که عاشق نباشه
پیرهن مشکیه من از غم نیست
حرفای نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی که عاشق نباشه آدم نیست
پیرهن مشکیه من رنگ شبای عشقمه
نه ستیزه نه گریزه نه سقوط و ماتمه
پیرهن مشکیه من صداقت از نوع عشق
تنها پرچم مقدس دولت عشق
تنها رنگیه تو دنیا که تکه تا نداره
شپامون بدون رنگ مشکی معنا نداره
مشکی رنگ عشقه اینو قبلانم گفته بودم
میدونم خوب میدونین که مشکی همتا نداره.....
پیرهن مشکیه من از غم نیست
حرفای نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی که عاشق نباشه
پیرهن مشکیه من از غم نیست
حرفای نگفته ی من کم نیست
من واسه خودم یه قانونی دارم
توی قانون ما هر کسی که عاشق نباشه آدم نیست.

زندگی

زندگی رودوست دارم با تمام بدبیاریش
عاشقی رودوست دارم با تمام بیقراریش
من میخوام اشکو بفهمم وقتی از چشم میریزه
تنهایی گرچه کشندست واسه من خیلی عزیزه
تو کتاب نوشته عاشق خیلی تنها خیلی خستست
جای بارون بهاری روی چترهای شکستست
اما من میگم یه عاشق همه ی دنیا رو داره
همه چترهارو باید بست وقتی آسمون میباره
نون عشقو میخورم منت نونو ندارم
سینه سوخته عاشقم با کسی دعوا ندارم
توی دنیایی که گرگ و بره گی تو ذاتش
من میخوام خودم باشم با هیچکی کاری ندارم
زنده بودن نمیخوام زندگی قاموس منه
فقط فقط دورنگی تنها کابوس منه
گرچه خاکم زیر پا اما غرورم آسمون
مشکی رنگ عشقم ترانه ققنوس منه
کاش میشد دارو باشیم نه زخم کاری نه نمک
قطره ی آبی باشیم رو قلب خشک پر ترک
واسه عشقو عاشقی تو سختیهاش کم نداریم
واسه ی خودمون آدمی باشیم نه آدمک
خیلی ها میگن که عاشقی رو دیدار بدونیم
اما من میگم که عشقو نقش دیوار ندونیم
من میخوام که مثل موج نباشم اما بمونم
کاش میشد تو عین سختی بازم عاشق بمونی

دلت اومد؟

چرا از من گذشتی خیلی ساده
تو که دونستی مرد پیاده
جوونیشو پی عشق تو داره
هه هه هه
شنیدم گفتی از عاشقی سیرم
نگفتی با خودت من یه وقت میمیرم
حالا حق دلو از کی بگیرم
هه هه هه
چرا از من گذشتی بی تفاوت
نه انگار عاشقی بود نه روزگاری
نه پائیز و زمستون نه بهاری
چه جور دلت اومد تنهام بذاری

دلم برات تنگ شده

دلم برات تنگ شده جونم
میخوام ببینمت نمیتونم
بین ما دیوارهای سنگی
فاصله یک عمر میدونم
بغض ترانمو شکستم
میخوام بگم عاشقت هستم
توعین ناباوری یک شب
خالی گذاشتی هر دودستم
تو بودی تمام هستی ومستی وراستی وتمام قصه من
تو بودی سنگ صبورم ونگاه دورمو لبهای بسته ی من
نیمه شب از خوابم پامیشم
نیستی پیشم نیستی پیشم

بازدیوونه میشم دوریه تو
تیشه زد به ریشم نیستی پیشم
بی صدا از من خالی میشم
همصدا با بی بالی میشم
گونه هام خیس از شبنم غم نیستی پیشم
توبودی تمام هستی ومستی وراستی وتمام قصه من
توبودی سنگ صبورم ونگاه دورمو لبهای بسته ی من

نام آلبوم: عاشقم من

عاشقم من

عاشقم من عاشقی بقرارم
کس ندارد خبر از دل زارم
آرزویی جز تو در سر ندرم
من به لبخندی از تو خرسندم
مهر تو ای من آرزو مندم
بر تو پایبندم
از تو وفا خواهم
من ز خدا خواهم
تا ز رهم بازم جان
تا به تو پیوستم
از همه بگسستم
بر تو فدا سازم جان
تا به تو پیوستم
از همه بگسستم
بر تو فدا سازم جان

مونس

مونس شب های تنهاییم شدي
تیکه عکسی از گل ناز رخت
خاطرات با تو بون تو گلا
اشک سرد حسرت دستای تو
مونس شب های تنهاییم شدي
تیکه عکسی از گل ناز رخت
خاطرات با تو بون تو گلا
اشک سرد حسرت دستای تو
پای گیتار و هزار یاد و حرف
میشنوم عشقت میگه
آی تیشه زن بر بیستون
آوازه خون بی نشون
عشقت بهم میگه هنوز
آوازه خون بیشتر بسوز
عشق که توش سوزی نباشه
سرد و بی رونق میشه
کشوری بی قدرت و هیبت و بیرق میشه
دیدن عکس رخت ای مهربون
ای هم زبون ای حیات بی نصیب نیمه جون
ای که تو

اي که تو تمام احساس مني
اي که توي عمر رفتن اوج مردن گفتي با من
من ميمونم تو هم بمون
واسه تو اين کوه که سهله
ما هو از جا ميکنم
جار ميزنم داد ميزنم
عشق تو فریاد ميزنم
واسه تو اين کوه که سهله
ما هو از جا ميکنم
جار ميزنم داد ميزنم
عشق تو فریاد ميزنم....

دلم ميخواد

دلم ميخواست بازم تو رو
يه شب تو خواب ميديدمت
مثل گلای نيلوفر
از روي آب ميچيدمت
بازم ميشد با هم ديگه
کنار دریا بشينيم
يا پيريم به آسمون
آبیه عشق رو بينيم
دلم ميخواست با هم ديگه
تنهايي رو غال بزاريم
دل بکنيم از اين قفس
براي هم بال بزاريم
سر بزاريم رو دوش هم
براي هم گريه کنيم
با همه مهریون باشيم
براي هم گريه کنيم
يه پل رو آبا بزيم
دو رنگي رو دور بزيم
به مرکز عاشق شدن
نقطه پرگار بزيم
بگيم به هم از دل و جون
من ميمونم تو هم بمون
نريم سراغ ديگرون
پا نزاريم رو قولمون
اگه يکمون بميره
اون يکي آروم نغيره
اون يکي آروم نغيره
عاشق بمونه تا که هست
چون که به عهدش اسيره
يعني اين خاليه
فقط به قاب خاليه
يعني اين خاليه
فقط به قاب خاليه
داشتن تو براي من آرزوي محاليه
داشتن تو براي من آرزوي محاليه
کاشکي ميشد که روياهام رنگ حقيقت بگيرن
تموم درد و غصه ها تو جاي سرد بميرن
کاشکي ميشد که تا ابد من و تو مال هم باشيم
براي پرواز از قفس براي بال هم باشيم
دلم ميخواست بازم تو رو
يه شب تو خواب ميديدمت
مثل گلای نيلوفر
از روي آب ميچيدمت
بازم ميشد با هم ديگه
کنار دریا بشينيم

يا پېریم به آسمون
آییه عشق رو بینیم
بگیم به هم از دل و جون
من میمونم تو هم بمون
نریم سراغ دیگران
پا نزاریم رو قولمون
اگه یکمون بمیره
اون یکی آروم نگیره
اون یکی آروم نگیره
عاشق بمونه تا که هست
چون که به عهدش اسیره...

اشاره

عشق شیرینش مرا فرهاد کرد
او بیامد مرغ دل را از قفس آزاد کرد
او بشد لیلا و ما مجنون روی ما او
قلب ویران مرا آباد کرد
ناک شیرینش تمام تلخی عمرم زدود
قبل از او دنیا برایم این چنین زیبا نبود
بعد از او هم زندگی هست ولیکن تلخ
بعد از او این زندگی دیگر چه سود
با نظاره با اشاره به تو یگم که دلم عشق تو داره
می ترسم ندونی و پیمونه ی عمر منم دووم نیاره
میترسم نخونی آخر حرف ناتموم چشمم
شاید نداری باور گرمی حرق نفسهام
می ترسم فکر کنی عشقم هوس همش سرابه عشق که توش خدا نباشه قصریه اما خرابه
میترسم قصه ی این عشق بشه افسانه ی دوران
نذار تا ابد بمونم تک تنها توی زندان
میترسم صدای قلبم نرسه به گوش قلبت
بشم آواره به شهر و تاز نگی آخر تو حرفت
با نظاره با اشاره به تو میگم که دلم عشق تو داره
می ترسم ندونی و پیمونه ی عمر منم دووم نیاره

نام آلبوم: دو تا قلب

دو تا قلب

دو تا قلب و دو تا لبخند
دو تا عشق و دو تا دلبنده
دو تا مهر و دو تا احساس
دو تا باغ و بن گل یاس

دو تا رمز عشق ما بود
اون دو تا که زیاد بود
اما انگار اون دو تا هم
بند دست خسته ها بود

دو تا رو تنها گذاشتی
کندي هرچي رو که داشتی
واسه رمز دو تاي عشق
حرمتي به جا نداشتی

چقدر با تو گریه کردم

چقدر گفتم که خسته ام
چقدر گفتم بهارم
پای عهدمون نشستم

نم نم بارون چشمت
هم میخوندي هم میدیدی
ناله های زخم عشقو
ندونستی نشنیدی

دو تا قلب و دوتا لبخند
دو تا عشق و دو تا دلبرند
دو تا مهر و دو تا احساس
دو تا باغ و بن گل یاس

دو تا رمز عشق ما بود
اون دو تایی که زیاد بود
اما انگار اون دوتا هم
بند دست پست باغ بود

مهربون ، عاشقی تنها
گفتن « دوست دارم » نیست
باغ من خشک شد و پژمرد
خواسته عشق تو کم نیست

دو تا پیش من میمونه
تو برو هرجا تونستی
اما پادت نره عمرم
قدر دوتا ندونستی

بسوزی دل

بسوزی دل بسوزی
بین منو گذاشتی به چه حال و روزی
بسوزی دل بسوزی
بین میسوزم از آتیش تو شبانه روزی

بسوزی که منو دربر و آواره کردی
تازه اول راه زندگی بیچاره کردی
یه روز سواره بودم ، بی سبب پیاده کردی

الهی خون بشی تیکه بشی آتیش بگیری
من و کشتی الهی عاقبت تو هم بمیری
چیکارت کرده بودم که واسه ام خواستی اسیری

بسوزی بسوزی ای دلم بسوزی
بسوزی بسوزی ای دلم بسوزی

بسوزی دل بسوزی ای دلم بسوزی
بین منو گذاشتی به چه حال و روزی
بسوزی دل بسوزی ای دلم بسوزی
بین میسوزم از آتیش تو شبانه روزی

بسوزی که منو دربر و آواره کردی
تازه اول راه زندگی بیچاره کردی
یه روز سواره بودم ، بی سبب پیاده کردی

الهی خون بشی تیکه بشی آتیش بگیری
منو کشتی الهی عاقبت تو هم بمیری
چیکارت کرده بودم که واسه ام خواستی اسیری

دیگه نه ... نه ... نه نمیخوام بازم بسوزم
دیگه دوست ندارم چشمامو کنج در بدوزم
تو رو میکنم از سینه و میندازم به دریا
میخوام بیدل شم شاید عوض شه روز و حالم

بسوزي بسوزي اي دلم بسوزي
بسوزي بسوزي اي دلم بسوزي
بسوزي بسوزي اي دلم بسوزي
بسوزي بسوزي اي دلم بسوزي

بود و نبود

همه بود و نبودم
تو هستي تار و پودم
تا تو هستي زنده هستم
سراپا شوق عشقم
خسته راهي ، دلشکسته‌ام

بي تو يك كوه پيرم
توي زندون اسيرم
بي تو مثل يه ماهي
جدا از آب دريا
تك و تنها مي‌ميرم

دلتنگی

دلم برات تنگ شده خيلي وقته
لحظه دوري از تو خيلي سخته
نميدوني چه تلخه بي تو بودن
چه معني داره بي تو شعر سرودن

دلتنگیهام فراوونه دل دیگه بي تو داغونه
دنیا با اون بزرگیهایش بي تو برام زندونه
هوای چشمام بارونه

هیچکس رو جز تو ندارم
که سر رو شونه‌اش بذارم
باز مثل ابرای بهار
واسه‌اش یه دنیا بیارم
سر روی شونه‌اش بذارم

به سر هوای تو دارم
اینجوری داغونم نکن
من که اسیر عشقتم
بیا و زندونم نکن

زندگی بی تو مشکله
خودت اینو خوب میدونی
بیا و این آخر عمر
بگو همین جا می‌مونی

دلتنگیهام فراوونه دل دیگه بی تو داغونه
دنیا با اون بزرگیهایش بی تو برام زندونه

هواي چشمام بارونه

هيچكس رو جز تو ندارم
كه سر رو شونه‌اش بذارم
باز مثل ابراي بهار
واسه‌اش په دنيا بيارم
سر روي شونه‌اش بذارم

ديدار

ترانه سرا : مهدي اخوان ثالث

لحظه ديدار نزديك است
با من ديوانه‌ام ، مستم
باز ميلرزد دلم ، دستم
باز گويي در جهان ديگري هستم

آي نخراسي به غفلت گونه‌ام را تيغ
اي نفروشي صفاي زلفكم را دست
آبرويم را نريزي دل
اي نخورده مست ، لحظه ديدار نزديك است

لحظه ديدار نزديك است
لحظه ديدار نزديك است

قلم

په كاري كردي به قلم
كه بدونت حتي مردن
سخته حتي بي تو خويم
لذت از زندگي بردن

په كاري كردي كه از ياد
نميري حتي په لحظه
درد عشقت كرده پيرم
اما باور كن مي‌ارزه

ديدن تو گرچه از دور
واسه من په جور اميده
په چيزي مثل په جادو
كه بهم رهايي ميده

اين مهمه كه ميدونم
واسه من چقدر عزيزي
من كه جام عشقو دادم
چه بنوشي چه بريزي

په كاري كردي به قلم
كه بدونت حتي مردن
سخته حتي بي تو خويم
لذت از زندگي بردن

ديدن تو گرچه از دور
واسه من په جور اميده
په چيزي مثل په جادو

که بهم رهايي میده

این مهمه که میدونم
واسه من چقدر عزیزی
من که جام عشقو دادم
چه بنوشي چه بریزی

پیشکشت همه نفسهام
نازنین خوبه همیشه
نیمی از تنم شدي تو
که ازم جدا نمیشه

یه کاری کردی به قلبم
که بدونت حتی مردن
سخته حتی بی تو خوبم
لذت از زندگی بردن

یه کاری کردی که از یاد
نمیری حتی یه لحظه
درد عشقت کرده پیرم
اما باور کن میارزه
اما باور کن میارزه

خلوت

خلوت بی تو ، معنا نداره
اینجا بدونت نازنینم ، صفا نداره
صبور و پاکي ، قرمز قرمز
آبی دریا پیش تو جلا نداره

طلای ناب روزگار
تا تو میای میاد بهار
کویر سوخته ام بی تو عشق
ابری شو رو تنم بار

بی تو نوایی ندارم سوز صدایی ندارم
بیا تا تو لحظه بغض سر روی شونه ات بذارم

من که کسی رو ندارم
جز تو که یاورم باشه
تو این هیاهوی زمون
امید آخرم باشه

همه تنم شوق تو و
شور نگاهتو داره
نپرس چرا خیس چشام
دست خودم نیست ، می باره

خلوت بی تو ، معنا نداره
اینجا بدونت نازنینم ، صفا نداره
صبور و پاکي ، قرمز قرمز
آبی دریا پیش تو جلا نداره

طلای ناب روزگار
تا تو میای میاد بهار
کویر سردم ، بی تو عشق
ابری شو رو تنم بار

بی تو نوایی ندارم

سوز صدایي ندارم
بیا تا تو لحظه بغض
سر روی شونهات بذارم

بی تو نوایي ندارم
سوز صدایي ندارم
بیا تا تو لحظه بغض
سر روی شونهات بذارم

بی تو نوایي ندارم سوز صدایي ندارم
بیا تا تو لحظه بغض سر روی شونهات بذارم

بی تو نوایي ندارم
سوز صدایي ندارم
بیا تا تو لحظه بغض
سر روی شونهات بذارم

خاطره

گفتم شاید ندیدنت از خاطرهات دورم کنه
دیدم ندیدنت فقط ، میتونه که کورم کنه

گفتم صداتو نشنوم شاید که از یادم بری
دیدم تو گوشام جز صدات ، نیستش صدای دیگری

ندیدن و نشنیدن عشقت رو از دلم نبرد
فقط دونستم بی تو دل ، پرپر شد و گم شد و مرد

بعد از تو باغ لحظه هام حتی به غنچه گل نداد
همه اش میگفتم با خودم نکنه بمیرم و نیاد

این روزا محتاج توام من نمیگم ، دلم میگه
فردا اگه مردم نیا ، چه فایده نوش دارو دیگه

ندیدن و نشنیدن عشقت رو از دلم نبرد
فقط دونستم بی تو دل ، پرپر شد و گم شد و مرد

ندیدن و نشنیدن عشقت رو از دلم نبرد
فقط دونستم بی تو دل ، پرپر شد و گم شد و مرد

مادر

مادرم قریون موهایی سفیدت
مادرم فدای اسم نازنینت
تو نباشی مادرم دنیا چه پوچه
جای موندن نداره لحظه کوچه

مثل خورشیدی به آسمون عمرم
که اگه غروب کنی منم میمیرم
تو فقط اشاره کن ببین واسه تو
حاضرم مرگو تو بغل بگیرم

مهریون تر از تو هیچکسی نبوده
شعله وجود من بی تو به دوده
قیمت بودنمو عمرت گذاشتی

کي بجز تو لالايي هامو سروده

مادرم مرهم دردم الهي دورت بگردم
تو فقط شريك اشك و بغض و اخم و رنج خندهام

ساپه ات از سرم نشه كم به خدا بي تو ميميرم
واسه من تويي پر و بال ، بموني هزار هزار سال
بموني هزار هزار هزار هزار ... سال

مادرم قربون دستاي عزيزت
مادرم فدای اسم نازنينت
تو نباشي مادرم دنيا چه پوچه
جاي موندن نداره لحظه كوچه

مثل خورشيدى به آسمون عمرم
كه اگه غروب كنى منم ميميرم
تو فقط اشاره كن بين واسه تو
حاضرم مرگو توي بغل بگيرم

مهربون تر از تو هيچكسي نبوده
شعله وجود من بي تو يه دوده
قيمت بودنمو عمرت گذاشتي
کي بجز تو لالايي هامو سروده

تمنا

گفتم نرو پير مي شم
گفتي ميخوام رها باشم
گفتم آخه عاشق شدم
گفتي ميخوام تنها باشم
گفتم دلم گفتي بسوز
گفتم يه عمري باز هنوز
گفتم پس عمرم چي ميشه
گفتي هدر شد شب و روز

واي دلم

گفتم آخه داغون ميشم
گفتي به من خوش ميگذره
گفتم بيا چشمام به تو
گفتي آخه كي ميخره
گفتم منو جنس ميديدي
گفتي آره بي قيمتي
گفتم يه روز كسي بودم
با من نكن بي حرمتي

گفتم صدام ميميره باز
گفتي به درد بسوز، بساز
گفتم حالا كه پير شدم
گفتي كه از تو سير شدم
گفتم تمنا ميكنم
گفتي ميخوام خوردت كنم
گفتم بيا بشكن تنو
گفتي فراموش كن منو
گفتم تمنا ميكنم
گفتي ميخوام خوردت كنم

گفتم بیا بشکن تنو
گفتی فراموش کن منو

نام آلبوم: حکایت مشکی پوش

لحظه دیدار

لحظه دیدار نزدیک است
باز من دیوانه ام مستم
باز میلرزد دلم دستم
باز گویی در جهان دیگری هستم

لحظه دیدار نزدیک است
باز من دیوانه ام مستم
باز میلرزد دلم دستم
باز گویی در جهان دیگری هستم

آی نخراشی به غفلت گونه ام را تیغ
آی نفروشی صفای زلفکم را دست
آبرویم را نریزی دل
ای نخورده مست , لحظه دیدار نزدیک است

لحظه دیدار نزدیک است
لحظه دیدار نزدیک است

درد عشق

یه کاری کردی به قلبم که بدونت حتی مردن
سخته حتی بی تو خوندن , لذت از زندگی بردن
یه کاری کردی که از یاد نمیری حتی یه لحظه
درد عشقت کرده پیرم , اما باور کن میرزه

دیدن تو گرچه از دور واسه من یه جور امید
یه چیزی مثل یه جادو که بهم بهایی میده
این مهمه که میدونم واسه من چقدر عزیزی
من که جام عشق رو دادم , چه بنوشی چه بریزی

یه کاری کردی به قلبم که بدونت حتی مردن
سخته حتی بی تو خوندن , لذت از زندگی بردن

دیدن تو گرچه از دور واسه من یه جور امید
یه چیزی مثل یه جادو که بهم بهایی میده
این مهمه که میدونم واسه من چقدر عزیزی
من که جام عشق رو دادم , چه بنوشی چه بریزی

پیشکشت همه نفسهام , نازنین خوب همیشه
نیمی از تنم شدی تو , که ازم جدا نمیشه

یه کاری کردی به قلبم که بدونت حتی مردن
سخته حتی بی تو خوندن , لذت از زندگی بردن
یه کاری کردی که از یاد نمیری حتی یه لحظه
درد عشقت کرده پیرم , اما باور کن میرزه

اما باور کن میرزه اما باور کن میرزه

اتل مثل حکایت

اتل مثل حکایت , هزار و یک روایت
حکایت از تو و من , مونده تو کوی و برزن
این حکایت دروغ نیست , چراغ بی فروق نیست
قصه بار و دوش , عشق یه مشکي پوش
عشق یه مشکي پوش
.....

حرف دو دو تا چهار تاست , قصه موج و دریاست
نقل یه مشکي پوش , که عشقش آبروش
بذر جدایی داشتن , غم به دلش گذاشتن
شاد بود ازش که عشقش , مشکي پوش رفت و خوندش
مشکي پوش رفت و خوندش

نیازش از زمونه یه دل بود و یه لونه
که توش ترانه باشه , موندن بهانه باشه
مثل پراشتی بود , چون عشقش بهترین بود
عشقش پر از خدا بود , صداش بی انتها بود

اتل مثل یه قصه , بی غم و درد و غصه
قصه ای که هنوزم تو گفتنش میسوزم
مشکي پوش مثل سنگ , با غصه هاش میجنگ
میجنگه تا همیشه , قصه تموم نمیشه
قصه تموم نمیشه ...

دیوونه

ای دیوونه , ای بی خونه , آسمون چشمت چرا بارونه ؟
تنها موندی , تنها خوندی , اما باز لبهاش گل خندونه

گاهی میخندی مثل غنچه باز
گاهی هم چشمت خیس و گریونه
گاهی توی خلوت گاهی بین جمعی
گاهی پروانه گاهی هم شمعی

ای دیوونه ای دیوونه دیوونه دیوونه

خسته و پیری , قفل و زنجیری
چرا حالیت نیست , داری میمیری
دفتر عمرت کهنه شد تا شد
راهیه راه سبز فردا شد

دیگه غم بسه , چشمتو وا کن
بازم عاشق شو , باشو غوغا کن.....

ای دیوونه ای دیوونه دیوونه دیوونه

گفتم شاید ندیدنت از خاطرت دورم کنه
دیدم ندیدنت فقط میتونه که کورم کنه ...
گفتم صداتو نشنوم شاید که از یادم بری
دیدم تو گوشام جز صدات نیستش صدای دیگری ...

ندیدنو نشنیدنت عشقت رو از دلم نبرد
فقط دونستم بی تو دل , پر پر شد و گم شد و مرد ...

بعد از تو باغ لحظه هام , حتی یه غنچه گل نداد
همش میگفتم با خودم , نکنه بمیرمو نیاد
امروز رو محتاج توام , من نمیگم دلم میگه
فردا اگه مردم , نیا , چه فایده نوش دارو دیگه

ندیدنو نشنیدنت عشقت رو از دلم نبرد
فقط دونستم بی تو دل , پر پر شدو گم شد و مرد ...

گفتم شاید ندیدنت از خاطرت دورم کنه
دیدم ندیدنت فقط میتونه که کورم کنه ...
گفتم صداتو نشنوم شاید که از یادم بری
دیدم تو گوشام جز صدات نیستش صدای دیگری

دلم برات تنگ شده

دلم برات تنگ شده خیلی وقته
لحظه دوری از تو خیلی سخته
نمیدونی چه تلخ بی تو بودن
چه معنی داره بی تو شعر سرودن

دلتنگیهام فراوونه , دل دیگه بی تو داغونه
دنیا با اون بزرگیاش بی تو برام یه زندونه
هوای چشمام بارونه
هیچکس به جز تو ندارم , که سر رو شونش بذارم
باز مثل ابرای بهار واسش یه دنیا بیارم
سر روی شونش بذارم

به سر هوای تو دارم , اینجوری داغونم نکن
من که اسیر عشقتم , بیا و زندونم نکن
زندگی بی تو مشکل خودت اینو خوب میدونی
بیا و این آخر عمر بگو همینجا میمونی

دلتنگیهام فراوونه , دل دیگه بی تو داغونه
دنیا با اون بزرگیاش بی تو برام یه زندونه
هوای چشمام بارونه
هیچکس به جز تو ندارم , که سر رو شونش بذارم
باز مثل ابرای بهار واسش یه دنیا بیارم
سر روی شونش بذارم ...

گفتم نرو پر پر میشم , گفתי میخوام رها باشم
گفتم آخه عاشق شدم , گفתי میخوام تنها باشم
گفتم دلم , گفתי بسوز , گفتم به عمری باز هنوز
گفتم پس عمرم چی میشه , گفתי هدر شد شبو روز
وای دلم
گفتم آخه داغون میشم , گفתי به من خوش میگذره
گفتم بیا چشمام به تو , گفתי آخه کی میخره
گفتم منو جنس میبینی , گفתי آره بی قیمتی
گفتم به روز کسی بودم یا من نکن بی حرمتی
گفتم صدام میمیره باز , گفתי به درد بسوز بساز
گفتم حالا که پیر شدم , گفתי که از تو سیر شدم
گفتم تمنا میکنم , گفתי میخوام خوردت کنم
گفتم بیا بشکن تنو , گفתי فراموش کن منو
گفתי فراموش کن منو گفתי فراموش کن منو

دنیا جون

مگه ناگن دنیا جان ماکه جانیش رانیدیم
مگه ناگن مهربان مهربانیش ما ندیدیم
مگه ناگن دل به عشق پی پی چه محکوم شکنی
مگه ناگن سرنوشت بی چه مظلوم شکن
قاعده ی دنیا عوض با یک به یک نام و دوتا
اوکه چشم به را نشسته بهش بگن آی دگرتا نتا
این روزا جواب خوبی خنجر کینن و بس
عاشقی این روزا زیاده ولی از روی هوس
اگردنیا جان ببینی جون من لمزبونش
هرکسی گپ زد خودش قبولی میدبونش
مگه ناگن دلخوشی اتات وقتی راضی باشی
ولله ما راضی بودیم وهیچ موعدی جزناخوشی
مگه ناگن دوتادوست ازدوتا کاکا بهترن
دوست که سهل دوتا کاکا سر پول سر ابرن
هرچی تویچگی به ایما شه همه قصه بوده
رنج دنیا بند خوبی از دل خلقی برون
کسی حالیمی که حتی خبر از دل خومون نه
جوون وپیر آرزوشه زودی ازدنیابره

بسوزی دل

بسوزی دل بسوزی , بسوزی دل بسوزی
بین منو گذاشتی به چه وضعو حالو روزی
بسوزی دل بسوزی , بسوزی دل بسوزی
بین میسوزم از آتیش تو شبانه روزی ...

بسوزی که منو در به درو آواره کردی
تازه اول راه زندگی بیچاره کردی
یه روز سواره بودم بی سبب پیاده کردی

الهی خون بشی تیکه بشی آتیش بگیری
منو کشتی الهی عاقبت تو هم بمیری
چیکارت کرده بودم که واسم خواستی اسیری

بسوزی , بسوزی , ای دلم بسوزی
بسوزی , بسوزی , ای دلم بسوزی

بسوزی دل بسوزی , بسوزی دل بسوزی
بین منو گذاشتی به چه وضعو حالو روزی
بسوزی دل بسوزی , بسوزی دل بسوزی
بین میسوزم از آتیش تو شبانه روزی ...

بسوزی که منو در به درو آواره کردی
تازه اول راه زندگی بیچاره کردی
یه روز سواره بودم بی سبب پیاده کردی

الهی خون بشی تیکه بشی آتیش بگیری
منو کشتی الهی عاقبت تو هم بمیری
چیکارت کرده بودم که واسم خواستی اسیری

دیگه نه نه نه نمیخوام بازم بسوزم
دیگه دوست ندارم چشمامو کنج در بدوزم
تورو میکنم از سینه و میندازم به دریا
میخوام بی دل بشم شاید عوض شه حالو روزم ...

بسوزی , بسوزی , ای دلم بسوزی
بسوزی , بسوزی , ای دلم بسوزی

دو تا عشق

دو تا قلب و دو تا لبخند
دو تا عشق و دو تا دلبر
دو تا مهر و دو تا احساس
دوتا باغبون گل یاس
دو تا رمز عشق ما بود
اون دوتایی که زیاد بود
اما انگار اون دو تاها
بند دست پست باد بود

دوتا رو تنها گذاشتی
کندی هرچی رو که کاشتی
واسه رمز دوتای عشق
حرمتی به جا نداشتی
چقدر با تو گریه کردم
چقده گفتم که خستم
چقده گفتم بهارم
پای عهدمون نشستم

نم نم بارون چشمام
هم می خوندي هم میدیدی
ناله های زخم عشق رو
نه دونستی , نه شنیدی

مهربون عاشقی تنها
گفتن دوست دارم نیست
باغ من خشک شد و پ+مرد

خواسته عشق تو کم نیست
دو تا پیش من میمونه
تو برو هرجا تونستی
اما یادت نره عمرم
قدر دو تا ندونستی
قدر دو تا ندونستی

مرتضی علی

مرتضی علی دخیل زندگیمو از تو میخوام
آقا جونم بی تعارف عاشقم عشقمو میخوام
خاک پات سرمه چشمم آقا جون حرفامو گوش کن
تورو حق اسم زهرا آتیش دلم خاموش کن

دست به سینه پیش روتم دل و جون فدای نامت
آقا داغونم , کمک کن قریون عشق و مرامت
واسه خوندن دیگه پیرم از غمش دارم میمیرم
مولا جون برس به دادم به خدا بد جوری گیرم
به خدا بد جوری گیرم

عمریه من در خونت دست خالی بر نگشتم
نذار تاریک شه تموم شه خط سبز سرنوشت

عمریه من در خونت دست خالی بر نگشتم
نذار تاریک شه تموم شه خط سبز سرنوشت

نه راه پیش نه برگشت دل موندنم ندارم
مولا جون همه امید به کرامت تو دارم

دست به سینه پیش روتم دل و جون فدای نامت
آقا داغونم , کمک کن قریون عشق و مرامت
واسه خوندن دیگه پیرم از غمش دارم میمیرم
مولا جون برس به دادم به خدا بد جوری گیرم
به خدا بد جوری گیرم ...

دل من

دل من یه راه دور دل من , دل من سنگ صبور دل من
مثل اون گوشه صحن آسمون , خالی از ابر غرور دل من

دل من یه راه دور دل من , دل من سنگ صبور دل من
مثل اون گوشه صحن آسمون , خالی از ابر غرور دل من

چه صبور دل من راه دور دل من

گل من یکی یه دونه گل من , گل من از آسمون گل من
همه عمرو وجودم مال اون , مثل مادر مهربون گل من

گل من یکی یه دونه گل من , گل من از آسمون گل من
همه عمرو وجودم مال اون , مثل مادر مهربون گل من

چه صبور گل من راه دور گل من

اگه تنهام , اگه پیرم , اگه عاشقی فقیرم
دلت دور , دور از من , تو بدون برات میمیرم
دل من بین چه خستم , چشامو از همه بستم
عمری با تن پوش مشکى , سر راه تو نشستم

تو فقط باور عشقى , خط سبز سرنوشتى
رو کویر خشک قلبم , خط امید نوشتى

چه صبور دل من راه دور دل من

چه صبور گل من راه دور گل من

دیوانه زنجیری

دیوانه زنجیری ای چه با خود درگیری
او مال تونه نه بس بوده یک کس دیگه
ای ساده بیچاره دنیا بازی بازاره
او هم یکی از بازیانه تلخ زمانه

دیوانه زنجیری ای چه با خود درگیری
او مال تونه نه بس بوده یک کس دیگه
ای ساده بیچاره دنیا بازی بازاره
او هم یکی از بازیانه تلخ زمانه
او هم یکی از بازیانه تلخ زمانه

دیوانه زنجیری دیوانه دگر پیری
دیوانه زنجیری دیوانه دگر پیری
دنبال یه یار دگه باش تو این همه یار
داد بزن من با یاری یک دلبر و غمخواری
داد بزن من با یاری یک دلبر و غمخواری
یک مرحم گرم و مطمئن به این دل بیمار

حالا یه همسفر مباته پای صفر مباته
همسفر مباته پای سفر مباته
دستان پاک و مهری بیکش مال ترمباته
همسفر مباته پای سفر مباته
همسفر مباته پای سفر

زنده باد عشق زنده باد هر چی جوان عاشقه
زنده باد عشق زنده باد هر چی گل شقایقه
زنده باد عشق زنده باد عشقی که پروانه تکاند
زنده باد عشق عشقی که عاشق و دیوانه تکاند

بین ما که عاشقه کشته شقایق
بین ما که عاشقه کشته شقایق
این سوال و مزحمه بین ما که عاشقه؟

زنده عاشقیم که مرد خطرم
مرد مردانگی اهل سفرم
عاشق آنه که تو سختی جا نزد
توی بی کسی خدا صدا بزد

زنده عاشقیم که مرد خطرم
مرد مردانگی اهل سفرم
عاشق آنه که تو سختی جا نزد
توی بی کسی خدا صدا بزد

زنده باد عشق زنده باد هر چی جوون عاشقه
زنده باد عشق زنده باد هر چی گل شقایقه
زنده باد عشق زنده باد عشقی که پروانه تکاند
زنده باد عشق عشقی مه عاشق و دیوونه تکاند

بین ما که عاشقه کشته شقایقه
بین ما که عاشقه کشته شقایقه
این سوال و مزحمه بین ما که عاشقه؟

ترانه های بدون آلبوم

مهتاب

دست منو بگیر که داره اینجا
فرو میره تنم میون مرداب
بین که تو چشای بی قرارم
نگاه خواهشه بسوی مهتاب

دست منو بگیر ه داره اینجا
پرنده بودنو ازم می گیره
تو آسمونی میدونی پرنده
بدون پر زدن چقدر حقیره

من و پریدن و رهایی تن
یه قصه نیست اگرچه آسمونی
اسارتو میون دست مرداب
غریبه پرندرو می دونی

برای باور شب شکستم
دلم رضا نمی ده پر امیده
به گوش هر ستاره ی نگاهت
صدای جون سپردنم رسیده
بیا به یمن دلسپاری من
حقارتو بریز تو چشم مرداب
نشون بده که می تونه پرنده
بگیره پر به سوی برج مهتاب

کوله پشته

دوباره روی شونه ام
دستهای تو دمیده
خورشید با تو بودن
بیداره تا سپیده
ستاره رو نشون کن
عقل رو بگیر تو دستهای
رنگین کمونو بردار
وصله بزن به رویا

من با تو ام تو با من
کاری نداره پرواز
این کوله پشته ماست
فصلی برای آغاز

یه دشت انتظاره
اوج غریب فردا
دل دل نکن عزیزم
دل رو بزَن به دریا
پرواز رسم مابود
در بارش گلوله
وقتی که لاله روئید
در سینه به کوله

من با تو ام تو با من
کاری نداره پرواز
این کوله پشتمی ماست
فصلی برای آغاز

خنده های زورکی (2)

خنده های زورکی
اشک های یواشکی
شب و روزی پی هدف
لحظه های الکی
تیکه تیکه خط به خط
رج به رج مهر تنت
سربلندی واسه عشقه
توی میدون موندنت
باخته ها تموم میشن
وقت بردن میشه باز
مهربونی خشت و گل
خونه عشق و بساز
نگو که خسته شدی
مرغ پر بسته شدی
راه فردا رو باید رفت
نگو پا بسته شدی

یک شب بارونی بسه
برای از نو تر شدن
یک گل شمعدونی بسه
برای عاشق تر شدن

یک شب بارونی بسه
برای از نو تر شدن
یک گل شمعدونی بسه
برای عاشق تر شدن

رضا صادقی **25 مرداد 1358** در شهر بندرعباس به دنیا آمد. و اصالتش از شهرست زیبا به نام میناب (آنامیس). نظر به اینکه در خانواده مذهبی و مقید چشم به دنیا گشوده بود ابتدا خواندن را با تلاوت قرآن آغاز کرد. علاقه مندی او به مسائل هنری باعث شد تا در زمینه موسیقی فعالیتش را آغاز کند. سال 1368 ابتدای راه و به نوعی اولین جرقه فکری او بود با توجه به اینکه در آن سالها منطقه بندرعباس امکانات بسیار محدودی برای فراگیری داشت. او با مطالعه کتابهای متفاوت در این زمینه ساختار فکری خود را در مورد این هنر بسیار رویایی و لطیف استحکام بخشید. علاقه مندی او به **موسیقی مدرن** باعث شد تا از نگاه موزیسین های بزرگ برای بعد کاری خود استفاده کند

در سال **1371 اولین آهنگ** خود را به نوعی میشود گفت ساخت. به نام راز عشق. شاید در آن سالها کارهای او مورد قبول واقع نمی شد زیرا تفکرات به سوئی دیگر سوق گرفته بود. در سال 1372 اولین کار را در قالب کاست ارائه کرد که به نام همان راز عشق بود. اما از حق نگذیرم هیچ نوع بار هنری نمی شد در آن پیدا کرد اما حرکتی تازه بود

در سال 1373 با کمی دقت دومین کار خود را ارائه کرد به نام بال پرواز که بعد از آن کاست نظر عموم نسبت به کارهای او جلب شد و او با شوق بیشتری به کسب تجربه و اطلاعات گام به جلو بر می داشت

بنا به دلایلی در سال 1374 به طور موقت دست از کارهای هنری برداشت و شاید همان مدت برای او مدت زمان پر باری بود و اواخر سال 1374 بود که با ارائه کاستی تحت نام کلاغ غارغاری شروع دوباره اما تا حدودی قوی تر از قبل را تجربه کرد
علاقه زیاد او به هنرمندانی چون استاد چشم آذر و بیات باعث شد تا به کارهای ایشان و بزرگانی دیگر توجه خاص داشته باشد. و کارهای او تحت شعاع آنها قرار گرفت

البته او در زمینه شعر و ادبیات فعالیت دارد و ارادت او به شاعرانی چون اخوان ثالث - حافظ - مولانا - سهراب سپهری - شاملو و ماگوت بیگل باعث شد ذهنیت فکری آنها را در راه خود نورپردازی کند. البته لازم به ذکر است که 95% کارهای او با کلامهای خود اوست
در سال 1375 کاست گل لاله را ارائه داد که به نوعی با کارهای قبلی او تفاوت داشت. او سیر نسبتا صعودی را دنبال کرد به طوری که در سال 1376 بندرقدیم 1377 مستانه و دیوانه در سال 1378 رویای شیرین و ده ثانیه را با هم در یک سال ارائه داد
سال 1379 سال آرامش و کسب تجربه بود و پربار. یک حادثه زیبا در رویاهای او - لحظه ها را برایش سرشار کرده بود تا اینکه در سال 1380 کاست عاشقم من را که با گیتار اجرا شد را به بازار ارائه داد که مورد استقبال خاصی قرار گرفت. البته این کاست قبل از اینکه ویرایش شود به بازار رفت که در مورد آن جای بحثی طولانی است

آن حادثه زیبا و رویایی نگاه تازه او به عشق و عاشق شدن بود و دیدن زشتیها را با نگاه دیگر. او مدت 8 سال پیراهین مشکی به تن داشت و همه مردم او را مشکی پوش می شناختند تا اینکه در سال 1381 کاست حکایت مشکی پوش را به مردمی تقدیم کرد که سالها او را با مهرشان به اوج سوق می دادند

حکایت **مشکی پوش** آغازی است برای حرکتی از نوع مشکی پوش

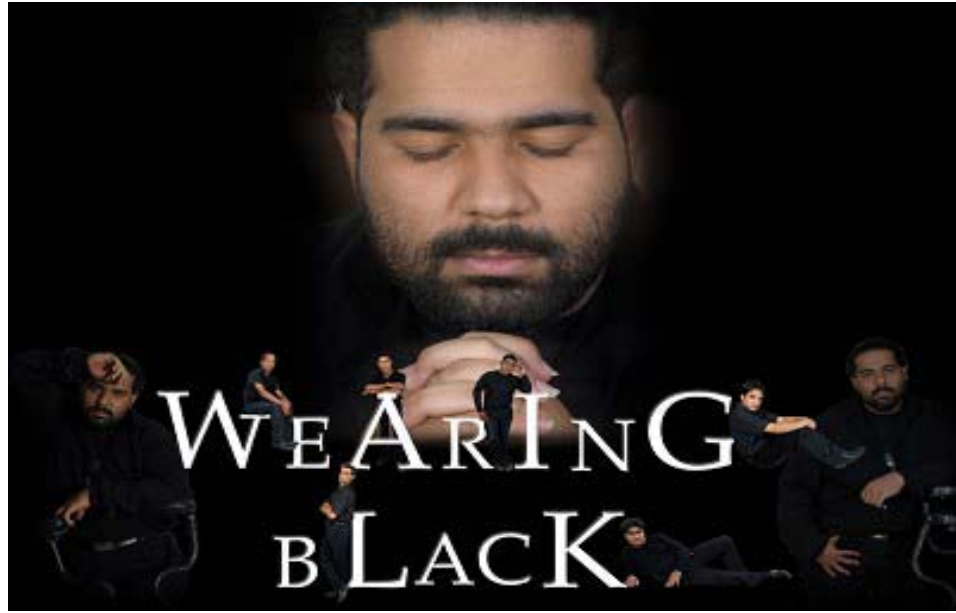
برای دنیا زیبا که مشکی هم در آن زیبایی جای خاصی دارد

رضا صادقی با **همسفری آهنین به نام عصا** به سوی دنیای سبز فردا به پیش می رود شاید خود اوهم می داند که مانده تا برف زمین آب شود اما او با گرمی که از جنوب به ارث برده این برف ها را آب خواهد کرد ...

گرچه نتوانسته تا کنون به طور گسترده به ارائه کارهای خود بپردازد اما روزی همه دنیا صدای مشکی پوش را خواهند شنید و همه خواهند دانست که

مشکی پوش مثل سنگه با غصه هاش می جنگه

می جنگه تا همیشه قصه تموم نمی شه



گردآوری و تنظیم : افشین عباسپور